

دراود سیچ

کارگران و زحمتکشان
نتحد نشوید!

فیلم ۱۵ ریال

شماره ۸ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۵

سرومهای

اعمال نفوذ، تقلب و سوءاستفاده از ناگاهانی توده‌ها

پلکان صعود حزب جمهوری اسلامی و مؤتلفین به مجلس شورای اسلامی

دور اول انتخابات مجلس شورای ملی بیان رسید . این انتخابات در شرایط صورت گرفت که توده‌های زحمتکش میهن بشدت در قدر متکدست همکاری می‌خانمایند و بیشتر دست و پیش را می‌زند . هر روز که من کرد مردم زحمتکش ما بیش از پیش در من یابند که حاکمیت نهاده می‌خواهد و نه می‌تواند به خواسته‌های اساسی شما پاسخ دهد . به اعتبار عطکرد عوامل نفوذ اعتماد مردم بتدبر از حاکمیت کم و کتری شود . در این شرایط خود را بروز و از حاکم تلاش نماید تا با عده و وعده‌های دهن برگشتن با شعارهای تهییج توخالی و با انتکت گذاشت برعلايق مذهبی مردم آنان را همچنان به حمایت از خود ترغیب نماید .

بقیه در صفحه ۲

بسکاران تعریز :

«ملت قضاوت ایله دولتین
با پر اهلیغی بیکار لارا گله دیر»
از چند روز مانده بعد از تعداد زیادی از کارگران و دستیارهای بیکار از طرف استانداری مادرن نظافت خیابانها و پاکسازی شهر شدند . پذیرفتن اینکار از جانب بیکاران صفت حکمی بر دهان یاوه گویانسی بود کوئی گفته‌نداز . اینها به این علت بیکارانند که حاضر به انجام هر کار نیستند .

اروهیه
کارگران کاردادهای: کارگر پیرو وزارت، هموایه‌دار نابود است

«ماکسانی را که در حرف با امیر یالیز مبارزه می‌کنند اما در عمل سرمهای داران وابسته را تقویت و کارگران را سرمهای می‌کنند، رسوخواهیم ساخت» «ما با کارگران احصایی ۳۴ کارخانه استان چهارلان احاصی همدردی واعلام همبستگی می‌کوییم»

بقیه در صفحه ۷

کحاد قدر تهدید کارگران صنعتی تبریز

مشترک حکمی بر دهان امیر یالیز، سرمایه‌داران و دست نشانده‌کان آنها با درود عی بیان به کارگران ماضین سازی ملیت تراک سازی، تراکتور سازی، بسی ایران، هاکمیزان دیزل، هموتوزن و کمپیدرو و کبریت سازی توکلی اتحاد قدرتمند شما کارگران دلیر و آکاهه هرسختی انقلابستان در دفاع از خواسته‌های برحق طبقاتی نان، حمایت و پشتیبانی اکاهانه از شوراهای انقلابی

مشترک حکمی بر دهان امیر یالیز ۷ کارخانه صنعتی تبریز و کارگران کبریت سازی توکلی تان درین بزرگی است .

ضمیمه راه سرخ شماره ۸

- ۱. مبارزات روستائیان آزادی (ارتوابع ماکو)
- ۲. گروهی از کارگران چرمساری امتیاز :
- ۳. کارخانه باید به نفع کارگران مصادره شود .
- ۴. اعتراض کارگران به اخراج خود از شهر کرت سرووند .
- ۵. کارگران قدر خوی صاحب کارخانه را اخراج کردن .
- ۶. گزارشی از مبارزات کارگران کارخانه قدر میاندو آپ

کزارشات و مدارک ارسالی از تقلبات و سوءاستفاده‌های
گسترده در انتخابات آذربایجان در صفحه ۱۰

۱ اعمال نفوذ و تقلب های پنهان و آشکار انتخابات را افشا کنیم

از زحمتکشان میهن ما اعتماد خود را به این شکل از مبارزه، شکل ساخت آمیز از دست نداده اند. این انتخابات شناخت را در کارکرد علیغم کاهش اعتماد مردم به اشکان پارلمانی مبارزه، هنوز بخش عظیمی از مردم به حاکمیت "ارگان های خود چون توده ای تهاجمی" شوراهای توده ای که قادر استاراده طبقاتی کارگران، دهقانان و سریازان را بنحوی مستقیم و مستقل لعنان نماید، آنلاین و اعتماد نداشتند.

در جریان انتخابات مجلس شورای ملی هریک از طبقات و اقتدار حاکم با بکارگیری ارگانهای که تحت نفوذ داشتند کوئیدند که کرسیهای مجلس را تحت سلطه قدرت خویش درآورد و از آن بعنوان وسیله ای در جهت به کرس نشاند اهداف طبقاتی خویش سود جویند.

انتخابات مجلس شورای ملی بکار ریکار نشان داد که در غایبیت حزب قدرتمند طبقه کارگر از شرایط عدم وجود پیوند گسترده و عیق کمونیست ها با طبقه کارگر و بکار ریکار نشان، در شرایط عدم وجود سازمان های مستقل کارگری، در شرایط غصه جنبش کارگری از جهت تشکیل و مضمون فعالیت طبقاتی و خلاصه در شرایط عدم برقراری رهبری طبقه کارگر بر جنبش دهقانان بطور خاص و بر جنبش خلق بطور کلی، جنابحی از خود ریکاری و سازنشکاری خود ریکاری بدل نمایند.

در جریان انتخابات مجلس شورای ملی هریک از طبقات و اقتدار حاکم با بکارگیری ارگانهای که تحت نفوذ داشتند، کوئیدند که کرسیهای مجلس را تحت سلطه قدرت خویش درآورد و از آن بعنوان وسیله ای در جهت به کرس نشاند اهداف طبقاتی خویش سود جویند. تصادف نیست که در مقطع حاکمیت بلا منازع سرمایه داری وابسته در مقطع حاکمیت سرمایه داری انحصاری، تمامی نمایندگان مجلس شورای ملی را، تمامی نمایندگان و مدافعین سرمایه داری وابسته و بطور غالباً اتفاقی سرمایه داری انحصاری تشکیل میدند. تصادف نیست اگر من بینیم که در مقطع انتخابات مجلس خبرگان عمدتاً نمایندگان خود ریکاری سنتی و پسگرا و سازنشکار کردن های نمایندگی مجلس خبرگان را اشغال مینمایند.

از ۱۸ ساعت قبل از انتخابات مایت الله خمینی با ارسال پیامهای سمع دزجهت دادن مردم علیه نیروهای کمونیست و دیگر نیروهای رادیکال ضد امیریالیست نمود. این پیام که مرتباً از رادیو و تلویزیون پخش میشد، جراغ سیزی بود به نیروهای هوادار آیت الله در سرتاسر کشور تا با دست بازتری علیه کمونیستها و دیگر نیروهای مترقب عمل نمایند.

در جریان انتخابات مجلس شورای ملی، خود ریکاری حاکم با ترسن از پیوند و اعتماد روز افزون توده ها به نیروهای اثلاطی و مترقب به اشکال مختلف سعی کرد تا با وضع قوانین و مقررات مانع

پیغام از صفحه ۱

بنی صدر سیر در حالیکه تمام تلاش خود را براین گذاشته است که هادهای آسیبنا دیده سرمایه داری را احیا کرده، شوراهای اثلاطی بکارگران پهنهایان و پرسنل انقلاب نیروهای مسلح را سرکوب کرده، مردم را خلیع سلاح نموده، مارتین و شهریان و دیگر نهادهای سرکوبگر را تقویت کند، عوام فریانه در رای سیزی به مردم نشان میدند او بمردم و دهه "آشتیت" میدهد، هدف "رفاه" میدهد ولی بشرط جی؟ بشرط آنکه مردم از حقوق خود صرف نظر نکند و بدون تکیه برخواست های طبقاتی شان جسم و گوش بسته به "کار و تلاش خستگی ناپذیر" بپردازند. در چنین شرایط انتخابات مجلس شورای ملی برگزار نمی شود. در این انتخابات نیروهای کمونیست و همچنین دیگر نیروهای مترقب ضد امیریالیست نیز شرکت داشتند.

کمونیستها با هدف آگاه کردن و مشکل کردن مردم شرکت کردند، آنان شرکت کردند تا پارلمان را به منکر مبارزه علیه امیریالیست، بورژوازی و سازنشکاری خود ریکاری بزرگ بزرگ بازی بدل نمایند. کمونیستها در انتخابات شرکت کردند تا از منافع کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان دفاع نمایند.

کمونیستها با هدف آگاه کردن و مشکل کردن مردم شرکت کردند. آنان شرکت کردند تا پارلمان را به منکر مبارزه علیه امیریالیست، بورژوازی و سازنشکاری خود ریکاری بزرگ بازی بدل نمایند.

کمونیستها در انتخابات شرکت کردند تا از منافع کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان دفاع نمایند. شرکت کمونیستها و دیگر نیروهای مترقب ضد امیریالیست بیانگر گسترش حمایت کارگران و زحمتکشان از این نیروهای است. این امر نشان میدهد که باعتبار گسترش پایگاه توده ای نیروهای کمونیست و مترقب ضد امیریالیست، کلیه تلاشهای ضد انتقامی امیریالیست و سوسیالیست کان داخلی در مفتر زدن کمونیستها و نیروهای مترقب ضد امیریالیست با شکست مواجه گردیده است.

شروع این کمونیست هادر انتخابات بمعنی هر کستگی ناممی

تل شهای سازنشکارانه، ارتقای و سرکوبگرانه خود ریکاری بزرگ بزرگ بازی است. این شرکت بیانگر تعیین اراده مردم بر نیروهای این کسترش نمود کمونیستها و دیگر نیروهای مترقب و رادیکال در همانند اند.

مردم در این انتخابات شرکت کردند ولی نه بطور فعل، مردم در انتخابات شرکت کردند ولی نه آنکه که در مقطع رفراندوم جمهوری اسلامی شرکت کردند بودند. کزارشات تحقیقاتی رسیده در سطح آذربایجان نشان میدهد که تعداد شرکت کنندگان در رای گیری انتخابات مجلس شورای ملی کمتر از دوره های پیش بوده است.

پرتبه بیزان شرکت کنندگان در رفراندوم جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان، قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری تا آخرین رای گیری (انتخابات مجلس شورای ملی) سیز نزولی را داشته است. ولی علیغم نتایج فوق که بیانگر گسترش و رشد بی اعتمادی مردم به شیوه های پارلمانی مبارزه و به حاکمیت است، هنوز بخش عظیمی

فالانشیسترا هدایت میگرد تا پوسترهای را پاره کنند، رانش آموزان خود را اجیر میگرد تا بر علیه سازمان های انقلابی شعار بدشتند و مانع تبلیغات آنان گردند. حمله به میتینگ سازمان ما در روز شگاه تختی نعنه ای از لعله همین باندهای سیاه است. در روزهای قبل از انتخابات بارها و بارها هوار اران انقلابی سازمان ما مسورد حمله، اهانت و هجوم این باندهای سیاه قرار گرفتند و در این رابطه هرگونه در گیوی بد و قید و شرط منجر به سیگری، شکجه و بازداشت هوار اران سازمان ما و دیگر سازمان های مقی و انقلابی میگردید.

یکبار دیگر خرد بوروزا زی حاکم تمام تلاش خود را برای گذاشت تا به مردم به قبولاند که ملاک انقلابی بودن وین دار بودن است نه دنای از منافع کارگران و زحمتکشان. بدینوسیله یکبار دیگر خرد بوروزا زی حاکم تمام تلاش خود را پیگردی که کارگران و زحمتکشان را پیگرد دادند تا کرسیهای مجلس را فتح نمایند.

درین توده های محروم و فقریتین. بروها و روسنا تبلیغ شد، بدینکه شرکت رای کیوی مجلس شورای اسلامی یاک فریضه دین است و شهواب دارد و شهاب و قتن بیشتر است که به کاندیداهای مذهبی یا روحانیین رای دهد.

یکبار دیگر خرد بوروزا زی حاکم تمام تلاش خود را برای گذاشت تا به مردم بقیو لاند که ملاک انقلابی بودن دین دار بودن است نه دنای از منافع کارگران و زحمتکشان. بدینوسیله یکبار دیگر خرد بوروزا زی حاکم عدم آگاهی و شکله کارگران و زحمتکشان را پیگرد صعود خویش فرار دادند که کرسیهای مجلس را فتح نمایند.

گذشته از لعمال نفوذ های خرد بوروزا زی حاکم از راههای قانونی بر امر انتخابات، آنان اشکال مختلف لعمال فشارهای پنهانی، زد و بند ها و انواع توطئه های گونا گون را نیز تدارک دیدند تا تعطی امیر انتخابات را بطهر انحصاری درست خود را افتدند. کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مولتوفین در تبریز برای تکمیل لعمال نفوذ هایشان سر صد برا آمدند تا نظارت بر صندوق های رای کیوی را در انحصار خود در آورند. درین راه آنان مشتبه ای ایشان و لولگردان را به مردمه ماهران کشته ها تحریه های «موسی بریس» را در کارهای انقلاب سازمان را در به فرمانداری ریختند و آشکارا در حضور ماهران فرمانداری نایابند از وزارت شهر (حدودی) و دیگر مقامات دولتش کارهای نظارت را بسرعت برند.

حزب جمهوری اسلامی و مولتوفین او ازینکه کارهای نظارت در اختیار نیروهای انقلابی و مترقب قرار گیرد به وحشت افتاده بود، زیرا نظردار نمایندگان اعزامی از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای انقلابی و مولتوفین را مانع در تقدیم و اعمال نفوذ های آشکار خود میدید. آنها تلاش کردند تا مانع نظردار سازمان های انقلابی کردند و طرح زدیدن کارهای از جمله اقدامات حزب جمهوری اسلامی و مولتوفین را درین رابطه بوده است.

بنچیه در صفحه ۶

سرمقاله بنچیه از صفحه ۶

برور آنان به مجلس گردید. گذشته از طرح کذائبه در مجله ای که نقض آشکار حقوق مردم است. در روزهای قبل از انتخابات مهمنان کیتنه ها، پاسداران، رارگاه انقلاب اسلامی و باندهای سیاه وابسته به آنان، شروع به ایران ضرب و شتم هوار اران سازمان ما و دیگر نیروهای انقلابی نمودند.

شهرهایی که احتمال انتخابیه نکاندیداهای مترقب در آنجا بود اتوسط وزارت کشور از درور انتخابات کنار گذائیه شدند. کاندیداهای سازمان در چند شهر حذف گردیدند، خلق ترکمن و چند شهر در کردستان در نتیجه جنک افزایی های هیئت حاکمه بد لیل واهن "نامنی" از شرکت در انتخابات منع گردیدند.

از ۱۸ سال است قبل از انتخابات آیت الله خمینی با ارسال پیام های سیاه در جهت دادن مردم علیه نیروهای کمونیستی و دیگر نیروهای رازیکال ضد امیریالیت نمود. این پیام که هرتبه از رادیو و تلویزیون پخش میشد چراغ سیزی بوده نیروهای هوار اران آیت الله در سرتاسر کشورها بارست بازتری علیه کمونیستها و دیگر نیروهای مترقب، عمل نمایند. بدنهای ارسال این پیام نیروهای سازنشکار هوار اران آیت الله در سرتاسر ایرانها دستهای تری شروع به وارد آوردن انواع خشارها بر نیروهای انقلابی مخصوصا کمونیستها نمودند.

پیام آیت الله خمینی بد غصه از رادیو و تلویزیون پخش شد. تفسیر های چهت دار از این پیام علیه نیروهای انقلابی و مترقب صر مصلحت و معابر، نماز جمیعه ها ... سرعت فرایند های گفت. باندهای سیاه با راستهای بازتری شروع به پاره کردن پوسترهای تراکتیسا پیلاکارهای نیروهای انقلابی نمودند.

در آذربایجان نیز روحانیون و دیگر نیروهای هوار اران آیت الله برای همایه با نیروهای انقلابی و مترقب، فعالیت فتویش را شتابد ایم - التزایدی دارند. دیدارهای پنهانی شدت گرفت. در تبریز کاندیداهایی که اکنون در حاکمیت پست و مقام را دارند، مانند حسینی موسوی ویسی، رارگاه انقلاب و سبحان الهی صاف استاندار - و آنها که تا چند روز قبل از انتخابات مقام را شته اند ابوقفضل موسوی نایابند مجلس خبرگان و ... ساری خانی فرماندار سایه بهمراه چند تن دیگر در منزل آیت الله مدفن نماینده آیت الله خمینی و امام جمعه شهر تبریز به اتفاق نشستند. تراکتیسا کاندیداهایی موتلفه تهیه شد. سرعت به مساجد و معابر تکایسا و رسته ایها ارسال گردید. اوکان های خرد بوروزا زی نظیمر سیاه پاسداران، کمیته ها، رارگاه انقلاب برای ارسال لبست افتابیه. در سرتاسر آذربایجان روحانیون شروع به دادن فتوهات بطرقداری از کاندیداهای حاکمیت نمودند و درین راه به شیوه همینگی شان در تهدید دشمنی مردم برآمدند.

نکته قابل توجه آنست که کاندیداهایی که خود در حاکمیت پست و مقام ویا نفوذی را شنند تهمی امکانات خوبین را در جهت تهییه موقعيت خود بر علیه نیروهای انقلابی بکار گرفتند. موسوی رئیس رارگاه انقلاب تبریز خود مستقیما باندهای سیاه

و افشا سرمایه داران و سازنکاران و مرتبعین گردید. تزدههای محروم و مستضعفین ما با چشم خود از نزدیک صید پدیدند که هواران صادق سازمان ما، ناظرین کمونیست چگونه با قاطعیت در مقابل زورگویی ها، تضعیف ها، چالپوس ها، تقلبهای پنهان و آشکار لعمال نفوذ ها... آگاهانه واستوار پایداری میکنند. رفتار ای ما همه جا تحسین کارگران و سایر زحمتکشان رای دهنده را بطرف خود جلب نمودند.

۱- البته یاد آوری کننکه سازمان معاہدین خلق ایران در تبریز نیز هارائه شش کاندید از جانب خود عملگر هر گونه هکاری و همراهی با انقلابی و کمونیست را کنار گذاشت. سازمان معاہدین خلق ایران با آنکه میدانسته تقریباً نیز از آرایی که به تغمضان رسیده مشهود از جانب هواران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران استرجیح دارد که از رای کونیستها بهره برکنند و فقط در حرف از حد ت و همکاری نیروهای ضد امپراطوری مبتدا میزند. ویدین و سیله حمایت علی خوشباز از کاندید اهای سازمان ما در تبریز نمود. این عمل امکان دارد که احتمال صعود کاندید اهای سازمان کاملاً نیافرته جای آنرا سازنکاران و مرتبعین بر نمایند.

با آنکه از چندین روز پیش گش و مشخصات ناظرین سازمان در اختیار فرمانداری گذاشته شده بود تا آخرین سعادت شنیدن از رای کمی ناظرین اعزامی از جانب سازمان ما، کارت نظارت دریافت نکرده بودند و صبح روز رای کمی حوزه فعالیت ناظرین سازمان به آنکه ابلاغ شد. از طرف دیگر مهم بودن آدرس محل نظارت در مواردی موجب سرگردانی رفتار گردید.

روز رای کمی ناظرین اعزامی از جانب سازمان ما در تبریز با عشق و ایمان به پیروزی طبیت کارگر برای جلوگیری از هرگونه عمل نفوذ سرمایه داران و سازنکاران خود بروز که تعیین صدورها را پایان نهاده از قرارداده اند با عزم راسخ بطریق مندوقد ها بحرکت در آمدند. علی رغم مهم بودن آدرس محل نظارت موقایع ما سریعاً در جهت یافتن محل نظارت خوش اقدام گردند.

جز سر مواردی استثنایی تمامی گزارشات ارسالی ناظرین شان را هنده این واقعیت است که همه جا در اطراف مندوقد ها و حوزه های رائی - کمی لیستگاندیدهای حزب جمهوری اسلامی و موتلفین (همان لیست انتخابی) نصب شده وبا توسط چهلداران و آخوند های محل در صاجد، تکاباوهین مردم رای را هنده تعزیز و تبلیغ مینمایند.

تقریباً در اطراف تماص مندوقد ها پولداران محل تحقیقها و معتمدین محل بکارگشته شده بودند. فرزندان این پولدارها، آغازدها، ای بازدها، پسرمهیزهای شان را که همانا پر کردن فرم های انتخاباتی از نام شنی نفر از اعضای حزب جمهوری اسلامی و موتلفین بود با جمام رسانند. در حیزه هایی که ناظرین سازمان ما حضور داشتند با قاطعیت این طبق و عمل نفوذ اتفاق نمودند.

پرورد ایران و رویحانیون که همانا گون بر سر مندوقد ها حضور داشتند، گاهی با تهدید و توهین و گاهی با جربه ای و نطمیح سمسی نمودند که مانع نظارت قاطع و انقلابی رفقاء از جانب سازمان ما گردند. در حوزه کوی طی عصر معتقد بیرون ناظر بر مندوقد تحقیقها و اینکه "با آمدن حاج آقا خیال ما از جهت چهار و غذا و... راحت است" سعی در جا کردن پولدارهای محل در کشار مندوقد ها و توجیه اعمال نفوذ های آنان میکنند که با مخالفت قاطع و فیض ناظر ما روپرور میشود. سر جای دیگر در شاه آباد سفلی معتقد بیرون محل ویاسداران مستقر که هوشیاری دقت و حصار انقلابی رفیق ناظر ما را مزاحم لعمال شرم آورشان می بینند و قیحانه دستبه بازداشت رفیق ما میزندند. آنان سهیم شروع به جار و جنجال غیرقانونی بودن و تقلیب بودن کارشناسی از رفیق لهزام ما میکنندند.

ولی نه تهدید و نه تطمیح و نه توهین های شرم آمر آنا ن هیچ کدام نتوانست از اراده پولادین ناظرین آگاه ما را مستعد کند و آنها آنسی از انجام وظیفه انقلابی شان بازدارد.

گزارشات ناظرین از این تکمیلی میخواهند این حقیقت است که در اکثر موارد که رفاقت های حوزه های مربوطه وارد شدند با تبلیغات معموم سازنکاران و مرتبعین روپرور گردیدند. ولی برخیره صادقانه و اندیلی و فتا بازجایی نداشتند و هنده قاطعیت آنان و دفاع مستحکم شان از آرمان طبیت کارگر امنیتی موجب جلب حمایت توده های رای دهنده

مارازات روستاییان که ای از توابع ماکو

اقدام کنند، نصیحته پاسباران و نه مراجع و نه هیچ کس دیگری قادر نیست زمینهای را صادره و در طولانی مدت در اختیار روستاییان قرار گند. تنها و تنها این دهقانان که همین و خوش نشینیان روستای شوط هستند که قادرند خود مستقیماً در اتحاد با یکدیگر در جهت مصالح زمینهای ای با غاصب اقدام نمایند. بنزینگویین تضمین اینکه زمینهای روستای شوط صادره شود، همانا وجود رعایت شما زحمتکشان روستای شوط است. و تنها و تنها شما قادرید در اتحاد، با یکدیگر زندگی پوازدند، فتو و رنج و بیماری تان را تغییر داده یک زندگی نوین و خالی از زورگویی های ارباب دست بیابند.

فشریه کارگران پیشو و تبریز را بخواهید رفته باشد اتحاد شوراهای انقلابی

گزارشی از مجمع عمومی اخیرهای شین سازی و شکن العمل مشترک شوراهای ۷ کارخانه صنعتی در مورد توظیه های استاندار

کارگران پیشو و تبریز

۵۸/۱۲/۳۶

خواستار تقسیم زمینهای اربابی شدند. در هفغانان بی‌زمین نیز طی شکایت‌رسنه جمعی به سپاه پاسداران مأکو و ارومیه و مراجع خواستار خادره و تقسیم زمینها گردیدند. اما جواب مشخصی دریافت نکردند. در بهمن ماه سال ۱۳۰۵ فرمایی از طرف اداره ثناون بسرا ی تعدادی از خوش‌نشینان فرستاده شد که پس از شنیدن پیروشدن بهادره می‌توان ارسال گردید.

مسئله ای که در رابطه با تقسیم اراضی اربابی قابل توجه داشت «اختلاف در هفغانان کم زمین و بی‌زمین در تقسیم و تصالیز مینهای است. این مستلزم توسط نایانده ارباب بیشتر دامن زده می‌شود. او گاهی بسا پیش‌کشیدن این موضوع که من زمینها را بعد تسلیمه چهارسال اجاره‌گرده ۱ و کسی حق دست زدن به آنها را ندارد، اسعی می‌کند مانع تقسیم زمینهای شود و گاهی نیز مزورانه از هفغانان بی‌زمین خمایت کرده و آنها را مستحق دریافت زمین مینماید. باین ترتیبی او توائیته بادام زدن با اختلافات تا کنون مانع وحدت در هفغانان بی‌زمین و کم زمین شده و جلوی تقسیم زمینهای را بگیرد.

در تاریخ ۱۹ بهمن سال ۱۳۰۶ در هفغانان کم زمین صلحانه اتفاق ام به هلامت‌گذاری و تقسیم زمینهای ارباب بین خود می‌نمایند. خوش‌نشینها برای حمله‌گیری از هرگونه درگیری در آن روز به محل نمی‌برند. روز بعد صادرین پاسگاه و اندازه‌گیری شوط‌علاوه‌تم را جمع آوری می‌کنند.

در هفغانان بی‌زمین نیز با انتخاب و نایانده و مراجعته به ادارات و

مراجع مختلف سعی می‌کنند تا زمینهای تقسیم اراضی اربابی را فراهم سازند آنها می‌گویند: «دیگر تحمل ما تمام شده» هر چه رفع کشیده بیم کافیست. ما تا پای جان برای تقسیم زمینهای خوازه خواهیم کرد.

آنچه برپوشن در جریان ای این روستا به جسمی خود اختلاف

در وکره از زحمتکشان آنست که ناکوت‌آنها را از گرفتن حق سلم شان باز اشتماس است. هر دو وکره در هفغانان بی‌زمین و کم زمین خواهان -

تقسیم زمینهای هستند که از آنها نصیحته است. این زمینها

متصلق به همه آنهاست و زحمتکشان این روستا حق را رد نمایند. آن را از

چندگاه ارباب‌شارح کرده و در اختیار خود بگیرند. آنها اگر مشترکاً

و در اتحاد با هم نمایند به تشکیل شورای مشترک از نایانده‌گان واقعی

خود زده و یک‌تک آن این زمینهای را مصادره می‌نمودند و با خمایت

قططعانه از شرایع مختص خود به محافظت زمینهای خود می‌پردازند

صلماً تا کنون زمینهای در اختیار آنان بود و کسی نیز قادر به ایجاد

اختلاف و ممانعت از دست یافتن آنان به حقوق مسلمانان نمی‌توانست

باشد. در چنین صورت آنها میتوانستند مشترکاً به کشت زمینهای

بپردازند که طبیعتاً میتوانست محصول بیشتر وزندگی بسته‌یار برای ایشان

تا این تعداد.

موضوع دیگری که باید به آن توجه شود و میتواند تجربه خوبی برای کلیه

زحمتکشان می‌باشد، امید واهی زحمتکشان این روستا است.

آنها امیدوارند که کسی بیاید و زمینهای را به اینها نهاده

- آنها را بدهد. زحمتکشان روستای شوط باشد بدانند که تا زمانی که

خود در صدر مصادره زمینهای اربابی بزنایند و هر کاه نخواهند

که خود مستقیماً در جهت کاشت و برداشت محصول برای این زمینها

بقيه در صفحه ۴

مبادرات روستاییان گذای

(از توابع ماکو)

روستای گذای از نواحی شهرستان ماکو است. این روستا در شمال غربی پختگان و جنوب‌جاده ترانیست ماکو - تبریز قرار دارد. فاصله آن تا بخش شوط ۶- کیلومتر می‌باشد.

پکند و پیش‌خانوار ترک‌زبان در این روستا ماکن هستند. روستا فاقد آب آشامیدنی، حمام، برق و فرمانگاه می‌باشد. آب آشامیدنی مسئله توسط نایانده ارباب بیشتر دامن زده می‌شود. او گاهی بسا پیش‌کشیدن این موضوع که من زمینها را بعد تسلیمه چهارسال اجاره‌گرده ۱ و کسی حق دست زدن به آنها را ندارد، اسعی می‌کند مانع تقسیم زمینهای شود و گاهی نیز مزورانه از هفغانان بی‌زمین خمایت کرده و آنها را مستحق دریافت زمین مینماید. باین ترتیبی توائیته بادام زدن زدن با اختلافات تا کنون مانع وحدت در هفغانان بی‌زمین و کم زمین شده و جلوی تقسیم زمینهای را بگیرد.

در تاریخ ۱۹ بهمن سال ۱۳۰۶ در هفغانان کم زمین صلحانه اتفاق ام به هلامت‌گذاری و تقسیم زمینهای ارباب بین خود می‌نمایند. خوش‌نشینها

برای حمله‌گیری از هرگونه درگیری در آن روز به محل نمی‌برند. روز بعد

صادرین پاسگاه و اندازه‌گیری شوط‌علاوه‌تم را جمع آوری می‌کنند.

در هفغانان بی‌زمین نیز با انتخاب و نایانده و مراجعته به ادارات و

مراجع مختلف سعی می‌کنند تا زمینهای تقسیم اراضی اربابی را فراهم سازند آنها می‌گویند: «دیگر تحمل ما تمام شده» هر چه رفع کشیده بیم کافیست. ما تا پای جان برای تقسیم زمینهای خوازه خواهیم کرد.

در حدود ۱۵ هکتار متعلق به چندگاه حیدر زاده، این باش روستا

می‌باشد. این زمینها در جریان اصلاحات ارضی سال ۱۳۰۲ به عنوان

بهرهٔ مالکانه بیوی متعلق گرفتند. این زمینها توسط هفغانان بی‌زمین (خوش‌نشینها) کشت شدند. ۱ خانوار دارای ۴-۵ هکتار

زمین هستند. چهار رینج نفر از اهالی نیز در این روستا هر

کدام در حدود ۱۰-۲۵ هکتار زمین دارند. ۶ خانوار همچو

زمینی ندارند و یقیهٔ اهالی روستا زمینهای کوچکی در اختیار دارند.

خوش‌نشینها با کارروی زمینهای ارباب و خود ره مالکین امورها ن

می‌کنند. آنها محصول را به نسبت ۱ به مالک تقسیم می‌کنند.

باین ترتیبیکه تمامی کارهای کاشت و آبرداشت بعد از هفغانان

بی‌زمین است. و محصول پس از کسر حق آبه شخم بذردو... .

به نسبت ۱ تقسیم می‌شود و سهم ناجیزی که باین ترتیب

عاید آنها می‌شود تنها زندگی بخیر و نمیری را براشان تامیل

می‌کند. آنها در فقر و فلاکت بیشتر می‌برند. نایانده‌ی ایشان

آنها (ارباب در تهران زندگی می‌کند) شخصی با اسم طاهر

کوچزاده است که خود نیز زمینهای ایشان روستا را دارد. او بسر

سر تقسیم محصول و آبیاری مزارع روستاییان رحمتکش را زیر فتش

شدیدی قرار میدهد، روستاییان دل پر خونی از این

ارباب شکوئه‌مند خلقه‌ای ایران و سرکنونی

رژیم خونخوار پهلوی، زمزمه تقسیم زمینهای ارباب شروع شد. در

اویل دیماه ماه ۱۳۰۵ خسروه مالکین طی نامه‌ای به سپاه پاسداران

خواستار تقسیم زمینهای اربابی شدند. در هفغانان بی‌زمین نیز

او و همه

کارگران کافداده ای:

«کارگر پیش وزارت، سپاهایه دار نابود است»

«ماکانی را که در حرف با امیر بالیزم مبارزه می کنند اها در عمل صراحتداران وابسته را تقویت و کارگران را سرکوب می کنند، رسوا خواهیم ساخت»

«ما با کارگران اختصاری ۳۴ کارخانه استان گلستان احسان همدردی و اعلام همبستگی می کنیم»

کارگران مبارز کارخانه کنانادرای از چند که بین برای دریافت حد اول حقوق و مزایایشان از جمله سوادویزه و پادشاه شعبعید، دستبه مبارزه زدند. آنان که در تمام مدتهاز با حیله های مختلف کارفرما روبرو بودند، در روز ۵ و شنبه ۱۲/۵/۱۲ در ساعت ۳- بعد از ظهر در موقع تعویض شیفت روزانه در محل کارخانه اجتماع می کنند.

نمایندگان کارگران در این اجتماع نتایج اعتراضات پیگیریهای قانونی از در رابطه با اداره کار و مشغولان در طرق کرده و در حضور کلیه کارگران این مسائل را مور بررسی قرار میدهند.

کارفرما (مجیدی) که از رشد مبارزات کارگران و بالارفتن سطح آگاهی آنان سخته هر اسناخه بود، با انتقال تعدادی از کارگران کارفروش و بهانه اینکه عناصر ضد انقلابی (واخلالگر) در کارخانه نفوذ کردند، کارخانه را تعطیل می کند.

تعطیل کارخانه ۴- روز بطول من انجامد و در این بین مکایبات و اعتراضات کارگران نصیواند کارفرما را به بازشدن کارخانه وارد از نمایندگان کارگران تصعیم می کنند. کارگران همراه با دیگر کارگران کارخانه برای رام پیمانی و تظاهرات شهر پیاپیند، تا بدین وسیله خواسته هایشان را بگوش مردم برسانند. آنان صبح روز شنبه ۱۲/۵/۱۲ در حالیکه پلا کارد هایی با خود حمل می کردند، از استادیوم شهر به طیور ساختمان استانداری در خیابان خاطئ راه پیمانی کردند.

کارگران در طی راهپیمایی با شعارهای حقیقیز نگچه زین - رنیا اگر ویران اولاً (از حقمان نی کدریسم اگر دنیا ویران شود)، قان وردیخ، جان وردیخ - حقیقیز چاشایخ (خون دادیم جان دادیم - به حقمان نرسیدیم) قان ندید - جان ندید - حقان، حقیقیز، حقیقیز (خون چیسته جان چیست).

حقان، حقمان) سازشکاران بدانتند - کارگران بیدارند.

کارگر پیروز است - سرمایه دار نسایل اسود است - خواستها و نظراتشان را به میان انسوها از جمعیتکه ناظر تظاهرات آنان بودند مرسانند. همچنین روی پلاکاردهای آنها شعارهای از قبیل:

«ماکانی را که در حرف با امیر بالیزم مبارزه می کنند اما در عمل سرمایه داران وابسته را تقویت و کارگران را سرکوبی کنند، رسوا خواهیم اخوند».

گزارشی از

مبارزات کارگران کارخانه قند میاندوآب

کارگران کارخانه قند دلتی میاندوآبکه در حدود ۲۰۰ نفر مهمند از اوخر بهمن ماه برای برآورده ساختن خواسته ای خود دستبه مبارزه پیگیرانهای زدند. آنان ابتدا خواسته ای خود را بشرح زیر به اداره کار، فرعاندا ری و مدیر عامل کارخانه اعلام کردند:

۱- رادن حق اولاد

۲- کارخانه اقدام به تولید شکر بکند تا کارگران موقت کارخانه بیکار قسمه نوند.

۳- رادن یک گونی قند و شکر به کارگران به قیمت دلتی

۴- اگر کارخانه تعطیل شود به کارگران موقت کارخانه حقوق سیکاری راد مشور.

۵- اگر کارخانه بعد از تعطیل شدن دوباره شروع به کارگردانی کارگران با حفظ مسابقه گار استفاده نشوند و... آنان چندین باره ادارات منه مراجعت می کنند ولی هر دفعه به بهانه ای آنان را بستجه سرمی کنند.

کارگران که در نتیجه مراجعت مکرر به ادارات و... به لزوم داشتن نماینده واقعی که بنواند با پیگیری و فاعلیت خواسته ای آنان را دنبال کند بی بردند و... تصعیم می گنند برای خود نماینده اختباختن مایند. عکارگران هر شیفت به رای خود ۶- نفر نماینده تعیین می کنند. نمایندگان کارگران هر روز

به اداره کار و فرمانداری مراجعت می کنند تا به خواسته ای کارگران جامه عمل بیوشنند، ولی مراجعت مکرر آنان می نتیجه می مانند. تا اینکه در تاریخ ۱۲/۵/۱۲ از رادی از سپاه پاسداران به کارخانه ریخته و نمایندگان کارگران را مستگیر می کنند. این عمل پاسداران

مح اعتماد کارگران را بر می انگزد، آنان تصمیم می گیرند قاطعانه از نمایندگان خود رفایع کنند، و بهمین جهتباشند کارگران شیفت ۷- سعنوان اعتراض به عمل پاسداران هم روز دست از کاری کنند.

بقیه در صفحه ۷

اخطو اض کارگران به اخراج خود از شرکت سیوند

حدود سه ماه پیش، نفرات کارگران شرکت سیوند واقع در علی‌پور را آباد سابق مغان توسط روحانی رئیس این شرکت اخراج شده‌اند. گروهی از کارگران اخراجی طی شکایت‌نامه‌ای به وزارت کار پارس آباد مغان اخواستار رسیدند که به وضع خود شده‌اند. روحانی به هنگام اخراج کارگران هیجده از مطالبات آنان را لهم از مستمر مقرر شده بعد از انقلاب، حق مسکن، سود و پردازش را نیز اختیار کارگران را تهدید کردند. استکه در صوت اغتصاص آنان را بعنوان شد انقلاب به رادگاه انقلاب و تحويل خواهد داد.

کارگران ضمن شکایت‌به اداره کار از تعامل نیروهای انقلابی مدافعان کارگران و زحمتکشان خواستار پشتیبانی شده‌اند.

ما پشتیبانی خود را از مبارزه شما کارگران مبارز شرکت سیوند می‌کنیم. و متذکر می‌شویم که شما کارگران سیوند با انتقام اعلان داشته و نامه‌ای را که برای وزارتکار نوشته اید چه ای باشد؟ با دیگر کارگران و در پیوند با نیروهای انقلابی طرفدار طبقه کارگر است که مبارزه بی امان و قاطع خود را برای تحقق خواسته‌ای خود و در جهت ایجاد زندگی نیزی که عاری از ظلم و استثمار باشد به پیشبرده و پیروز خواهد شد.

با ایند به پیوند هر چه محکمتر کارگران با نیروهای انقلابی و طرفدار طبقه کارگر.

سنه‌نالی

تمام معلم راست قدر 
 ۱۰- کارگران نیز از مصال اسکتاب مردم سیار ایجاد کردن
 سیار دارایی دارند، هر چه سیار هست از اداره عمر و میریلر که نهاد
 بسیار دارد، کارگران سیار هست از اداره عمر و میریلر که نهاد
 سیم ۲۲ دست و سر جیم امداد کارگران سیار رکورس سیمده مدد

۱۰- شماره بود

۱۱- عزیز سرکار

۱۲- احمد

۱۳- سعادت

۱۴- احمد

۱۵- شریان

۱۶- مسعود

۱۷- سید محمد

۱۸- مسعود

۱۹- سید امیر

۲۰- احمد

۲۱- سید احمد

۲۲- مسعود

۲۳- احمد

۲۴- احمد

۲۵- احمد

۲۶- احمد

۲۷- احمد

بقیه در صفحه ۱۰

گزارشی از مبارزات کارگران ۰۰۰ بقیه در صفحه ۷

و کارگران شیفت ۳ و ۴- لعلا می‌کنند اگر نمایندگانشان نافردا- آزاد نشوند، آنها نیز مستشار کارخانه کشید. بر اثر فشار کارگران و همچنین همستانگی و اتحاد آنان و پیغام اغراض کارگران، سپاه پاسداران مجبور به عقب‌نشینی شده نمایندگان کارگران را نیاز به آزاد می‌کنند.

کارگران همچنان به مبارزه خود ادامه داده و در نتیجه پیکارچگی و قاطعیت‌بخوبی تعدادی از خواسته‌ای خود از قبل ایام کسارا، حق اولاد و... را می‌گیرند وهم اکنون برای رسیدن به دیگر خواسته‌های خود به مبارزه پیکارچه خود ادامه میدهند.

کارگران کارخانه قند خوی

صاحب کارخانه را اخراج کردند

روز چهارشنبه ۱۵/۱۲/۵ کارگران کارخانه قند خوی حاج احمد طرخانی فرزند حاج طرخانی صاحب‌کارخانه را که مشغول کارخانه قند بود اخراج کردند و دیگر اجازه ورود به کارخانه را به او نمیدهند. حاج احمد طرخانی در سرکشی و بازدید از کارخانه برای اخراج رئیس کارخانه (مهندس کریمی) و جلب‌اعتماد کارگران به آنان می‌گیرد: "که رئیس کارخانه مانع رسیدن شما به حقوقتان می‌شود" بدین وسیله کارگران را بر علیه رئیس تحویل می‌کند. ابتدا چند نفر از کارگران نا‌آگاه گول طرخانی را می‌خوردند و اقدام به اخراج رئیس می‌کنند. رئیس کارگران آگاه بین می‌برند که رئیس کاره ای نیست و حاج احمد طرخانی او را آورد و مقصراً و مقصر اصلی حاج احمد طرخانی می‌باشد. پس از بی بودن به این موضوع به او می‌گویند همان‌طوری که اجازه ورود به کارخانه قند ارومیه را نداری، اگر به اینجا نیز بیانی پایترا قلم می‌شکنیم.

گروهی از کارگران چرمسازی امتحان:

«کارخانه باید بنفع کارگران مصادر را شود»

گروهی از کارگران اخراجی چرمسازی امتیاز علیه تعطیل کارخانه توضیح‌اجایی علی اصغر دیاغ‌زاده (هر چند) به اداره کار شکایت کرده‌اند. کارگران اخراجی که تعدادی از آنان بیست سال سابقه کاردارند می‌گیرند: " تمام ویلاها، خانه‌ها و سایر اموال حاجی علی اصغر خون سالها استثمار و رنج ما کارگران است. تمام اموال او باید به نفع کارگران مصارف شود."

حاجی علی اصغر بعد از تعطیل کارخانه به واردات چشم از هند و هستان پرداخته است. اوکه بینانک از اغتصاب دسته جمعی کارگران علیه تعطیل کارخانه بود، آنها بتدیری از کارخانه اخراج کرده است. ولی گروهی از کارگران اخراجی متحدًا علیه او بمنهاده کار شکایت کرده‌اند. و خواستار مصادره کارخانه به نفع کارگران شده‌اند.

گزارشات و مدارک ارسالی ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۳
به همه ناگران که در راه رهایی از بیوغ امپریالیسم و نظام حرمایه
در این صارعه میکنند.

حایاتید ریبع دیگر کارگران صنعتی از آنان، علی رغم تمام تلاشهای
مزدروان سرمایه دار مانند استاداری، مدیر عامل کارخانه
و غیره بحوثی نشان داد که طبقه کارگر میهن ما هر روز که میگذرد
بین از پیش به حقوق طبقاتی خود آگاهی یافته وه ضرور تاخته
و تشکل خواسته بیشترین میزان است.

کارگران مبارز ارز

امپریالیستها تنها زمان متوانند به حیاتیکنین خواهار مهده رهند
که حاصل کارگران و زحمتکشان را به غارت ببرند آنان تنها به
قیمت فقر و تنگدستی شما کارگران و دیگر زحمتکشان که هو روز -
فریه تر میشوند. شما کارگران برای مقابله با امپریالیسم و طبقه
سرمایه دار بزرگترین و قویترین سلاح رادر اختیار دارید. و آن -
اتحاد و تشکل طبقه کارگر است. تشکل کارگران و وحدت و همکاریها
با دهقانان و دیگر زحمتکشان قطعاً امپریالیسم و سرمایه را
وابسته به آن را نابود کرد و مغلق میهن مازا از اسارات و برگشی
از فقره، کرستگی وی خانمانی نجات خواهد داد.

ما اتحاد قدرتمند کارگران تبریز را کامن بزرگ در این راه میدانیم
و ایمان داریم که ناگران میهنمانه هر جریان مبارزه انقلابیان بزرگی
دوستان و دشمنانشان را بین از پیش خواهند شناخت و به مقابله ای
فاطع و سهیکن بر علیه آنان برخواهند خاست.
ما ایمان اریم که تمامی طرحهای امپریالیسم و طبقه سرمایه دار در ایران
در نتیجه رشد جنبش کارگران و اتحاد انقلابیان با دیگر
زمینکشان، شکست خواهد خورد.

ما در آستانه دوین بهار خوینیم، وحدت کارگران صنعتی تبریز
را بعنوان "حرکت نوین و انقلابی در مقابله با امپریالیسم"
و طبقه سرمایه دار ایران را نسته و بدین وسیله گرم ترین درودهای -
رفیقانه مازدا ابراز می‌اریم.

بر افسراشته باد بترجم رزم کارگران و زحمتکشان ایران
پیروز باد جنبش ضد امپریالیستی دموکراتیک طبقه کارگر و صایر
زمینکشان.

"مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابسته کاش"

سازمان چرکهای فدائی خلق ایران -

نشانه آذربایجان

۵۸ / ۱۲ / ۲۸

کارگران مبارز ارز
امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن و نمایندگان سوسیلیه شان
در دولت و شورای انقلاب برای به شکست کشانیدن جنبش کارگران،
دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما توظیه جدیدی را در
نارخانه و روستا، مدرسه و انشگاه به اجرا به می آورند.

این دشمنان انقلاب ایران که رشد جنبش انگلایی کارگران و -
زحمتکشان میهن مارا مانع در راه غارتگری های بیان شیان
می بینند که به سوکوب آنسته و با انواع نوطه های ضد خلقی
خواهان آند که بار دیگر حاکمیت بلا صاف امپریالیسم را بر میهمان
وابسته به آن پیش از هر چیز از قدرت انقلابی شما کارگران میهن
ما در هر استند. آنان خوب میدانند که اگر کارگران متحد شوند
و همچاره بزرگترند! امپریالیسم و عملشان سرنوشتی جزی پایان یافتن
زندگی سرتاپانگلی شان، جز قطع بدن قید و شرط و فریضی غارتگریها
و زورگوییهایشان سرانجام دیگری ندارند. سرمایه نا ران وابسته
به امپریالیسم و نمایندگان سوسیلیه شان در دولت و شورای انقلاب
از آگاهی و تشکل شما کارگران، از اتحاد زحمتکشانه تان با دهقانان
وسایر زحمتکشان به هراسی مردی بار افتاده اند و در اینجا و آنجا به
اشکار گوناگون توظیه می چینند! تا مانع از رشد مبارزه انقلابی
کارگران و دیگر زحمتکشان میهن ما گردند.

این دشمنان انقلاب بعد از پیش و حشیانه شان به خلی قهرمان -
کرد، بعد از به توب بستن ستاد انقلابی شهراهای دهقانان ترکن
و کشته و حشیانه رهبران آن در صدد نابودی شهراهای انقلابی
کارگران و سرکوب مبارزه حق طلبانه کارگران آمدند، در همین
رابطه است که در آستانه دوین بهار خوینیم، ما شاهد توظیه های
ضد کارگری در سرتاسر میهن ما هستیم. چند روز از حمله و حشیانه
به تظاهرات کارگران و زحمتکشان بیکار و کشته چند تن از این فرزندان
انقلابی در آندیمشک نگذشته که کارگران و زحمتکشان بیکار در تبریز
آماده حمله می‌فران سرمایه داری فرار گرفته و نمایندگانشان در شب
عید در باز داشتگاهها زندانی میشوند.

و این اعمال ضد کارگری در زمانی صورت میگیرد که به فتوای آیت
الله‌خمینی مزدروان ارتش و شهربانی مرد عفو فرار میگردند.
در چنین روزهای اتحاد شهراهای انقلابی کارگران ماسنین سازی
لیفت ترک سازی، پمهیان، هاکسیران دیزل، کمپیوئر و موتور،
ترانکتورسازی برای مقابله با سرمایه داران و نمایندگانشان در دولت
و شورای انقلاب، نوید بخش هر کت انقلابی نوین است در جنبش
خلیق. اتحاد شما کارگران صنعتی تبریز برای دریافت
سوز و پرده و عیدی سدی بود در مقابل اعمال ضد کارگری دولت
و شورای انقلاب جمهوری اسلامی. تحصن شکوهمند کارگران ماسنین
سازی لیفت ترک سازی، کهنسازی قوکلسی و کمپید و

خشونت شده یک صداخواستار آزادی نمایندگان خود میشوند کارگری خشمگین فریاد برکشید. "رفقاو کارگر ما شرف نداریم هر گاه از اینجا بدون نماینده هایمان برویم" کارگران یکصد اتفاق نهادند. صحیح است، صحیح است. کارگران پیشتر از این عمل خشمگین شده و با نفرت فریاد میزدند آبیز صمدی ایستاد. (ما صمد را من خواهیم) و ملت قضاوت ایله کارگرین طرفدار بودند (ملت قضاوت کارگرها دستگیر کردند). خشم کارگلر به این خود میزد آنان اعلام نظاهرات کسرده و در محوطه استانداری نسبت به راهپیمایی میزنند، کارگری که نان خالی بین دیگر کارگران توزیع میکرد زیر ضربات مشت و لگد مامورین قرار میگیرد. وبالاخره مامورین کمیته و شهریانی با ایجاد تشنج و درگیری حضنی شروع به تیراندازی می کنند و متعاقب آن عده زیادی از کارگران بیکار دستگیر میشوند. عدهای از پاسبانها همراه فرمانده مزد پر خود سروان شجاعی در سرکوب کارگران شرکت نمیزنند و کارگران روزهای قیام و دارهای خیابانی را به آنها یاد آوری میگردند. کارگران دیواره هشتک شده شروع به راهپیمایی میکنند طبقن خشمگین شمار ملست قضاوت ایله دولتشین بایرامیشی بیکار لارا گلده است. (ملت قضاوت کن عیدی دولت برای بیکاران گلوله است) فضا را پر کرده است، معجز دستگیری ادامه میابد و مراجعت ما مورین با حمله به صاف کارگران دستگیری حدود. تن از بیکاران، نظاهرات آنها را بهم میزنند دستگیر شدگان را با تهدید گلت و زیر ضربات مشت و لگد به کمیته بازرسی همان کمیته ای که مامورین آن در به شهادت رساندن رفیق را در مستقل شرکت نمیشنند. هم اکنون این عده در زندان بصر میزند ما ضمن اعلام پشتیبانی قاطع خود از مبارزات کارگران بیکار دستگیری کارگران مبارز را شدیداً محکوم کرده از تمام نیروهای انقلابی و کارگران مبارز میخواهیم بر راه آزادی دستگیر شدگان با تمام توان خویش بکوشیم.

کمکای مالی رسیده به سازمان جریه‌های مدائی خلق ایران -

شاخه آذربایجان

کد	مبلغ برقی	کد	مبلغ برقی
۱۰۰۰	۴۵۰۰	۱۰۰۰	۱۲
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۷۸۷
۱۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۳۳۳
۱۰۰۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۵۵
۱۰۰۰	۳۰۰۰	۱۰۰۰	۲۹

بیکاران تبریز ۱۰۰۰ بنیه از صفحه اول

اینها بیکار نیستند، اینها اخلاق لکرند، ایها خد انقلابیند و کارگران با دلگرمی مشغول کار نمیزنند و امیدوار بودند بزوی رسمی شوند و سروسامانی بگیرند. ولی دولتی ای اسلامی استفاده از اینها را در روز آنها جواب کرد. کارگران مذکور بنناچار روز ۲۷ اسفند در جلو ساختمان شهرداری تبریز اجتماع کرد و خواستار کار را شمعون نمیشوند. آنها شعار میدادند "کارگره این اولسون اکینچیه پیر اولسون، امریکا نابود اولسون" (کاربرای کارگر زمین برای بزرگ، نابود باد امریکا). چون کسی به آنها جواب نمیدهد تصمیم میگیرند به طرف استانداری راهپیمایی کرده و خواستهای خود را با استاندار مطرح نمایند. صف آنان با شکوه و پنهان هر چه تما متر به حرکت در می آید، خشم عمیق بر چهره شان نمایان است. آنان یکصد افراد میزنند "کارگره این اولسون" و "ایشلک، ایشلک هر انسان حقیقتی". (کارگران، کارگران حق هر انسان است).

صف پیکارچه کارگران مرد تهاجم عمال سرمایه داری قرار میگیرد اما کارگران قاطعنده مهاجمین را از حمل خود بیرون می رانند و راهپیمایی ادامه می باید شمار "زمینکشان بیلشین، امریکا نابود اولسون، ایشلکلر این اولسون" (زمینکشان متعدد شدند تا امریکا نابود شود و برای کارگران کار ایجاد شود) طنین افکن است.

صف کارگران به جلو استانداری میرسد. در جلو استانداری افسران آریامهری مستقر هستند، سروان شجاعی از افسران و فادران رزیم سابق و مدیر داخلی زندان شاه و معاون ساواک درین آنان به جنم می خورد. وی هم اکنون یکی از مقامات امنیتی تبریز شمار میرود. در جلو استانداری ما مهربانی کمیته ها و مزدaran سعی در از هم پاشیدن صف هشتک کارگران می کنند آنها به کارگران می گویند مرد بین شما اخلاق لکران کوئیست و مدائی رخنه کرده اند، و پاوه خ دندان شکن کارگران خشمگین را می شونند که "اخلاق لکران سرمایه داران عمال آنها هستند".

کارگری می گوید: "عیبد است، بجهه ام گفتند ارد، زنم لمبارزند ارد، لباسهایم پاره بیوه است، بجهه ام شیرینی م خواهد، برای میهمانی چیزی ندارم. سرمایه داران این خن آشامن زالو صفت تمام دسترنج مارا به غارت برده اند و برایمان به جای نار، به اصطلاح صیر انقلابی تحويل میدهند".

در جلو استانداری نمایندگان واقعی کارگران برای آنان در بار محیله سرمایه داران و امیرالیزم، مهارزه طبقاتی و معنای کار را میگیرند سخن می گویند و کارگران با شهر و شوق و با صحیح استانان را تایید می کنند.

ساعت از ۱۰/۱۱ کندته است کارگران بازی محوطه استانداری شدند و در آنها تجمع می کنند استاندار نماینده کارگران را دعوت به مذاکره می کند، یک ساعت، دو ساعت از وقت نمایندگان گذشت ولی هنوز از وی خبری نیسته، کارگران کم کم نکران میشوند، آنان وجود توشه ای را حس می کنند، بزوی معلوم میشود استاندار حائنانه نمایندگان بیکاران را دستگیر کرده است. کارگران بمحسن اطلاع از جریان پیشست

گزارشات و مدارک ارسالی از انتخابات آذربایجان

را نگاه میکردیم حدود ۹ درصد آنان از رستاهای اطراف تبریز بودند که برای پیدا کردن کار و لقمه نان به تبریز آمده بودند. اکثر رای دهنگان اسم شش نفر از رکاغه های یکشک می آوردند و میگفتند برایان بنویسید. رای دهنگان حتی اسمی کسانی را که روی کاغذ نوشته بود نمی دانستند.

حوزه ۸۷ کوی مجاهدین کوچه ہا قالاچهان مسجد امام حسن رای کثیر ساعت ۸ صبح شروع شد. بعضی ها بدغیر انسان نامه خود چند شناسنامه دیگر راکه متعلق به خانزاده شان بود همسراه آورده بودند. من به این مسئله اعتراض کردم و متذکر شدم که همسر کس فقط میتواند بادردست راشن شناسنامه خود رای بد هست رای دهنگان میگفتند که ما رفع عاست قبل هم بدین منوال رای - می داریم.

حوزه شماره ۶۷ مسجد قالم آل محمد

از جمیع ۲۷۷ نفری که رای دادند تنها در حدود ۳۵ نفر آرایشان را خودشان نوشته اند. از بقیه مراجعین عد مایی تکه کاغذهای با خود آورده بودند که اسمی ۶ سفر از کاندیداهای جمهوری - اسلامی را رویشان نوشته بود. جالب توجه اینکه از این کاغذهای رونوم بود. یک نوع صفحات کوچک که با خود کار آبی نوشته شده بود و نوع دوم تکه های کوچک کاغذ ۵۰ متر که روی آنها نیز با خود کار میز نوشته شده بود. تمام کاغذهای از این دو نوع در زنان محل شناسنامه های شوهرانشان را آورده بودند و اظهار میداشتند شوهرانشان سرکار قته اند و عصره بیرون میگردند و میم - خواستند بجای آنها رای بدهند. من مانع اینکار شدم. در نتیجه تاثیر تبلیغات روحانیون زنان فکر میکردند اگر شوهرانشان نتوانند قبل از بیستن صندوقها رایشان را بریزنند در آن دنیا جزاپن را - خواهند دید و به جهت خواهند رفت. آنها بیشتر از جزای آخرت میگردند تا اینکه در غیر فرستادن نماینده واقعی خود به مجلس شورای ملی باشند. موارد معمولی مشاهده شده افراد چندین شناسنامه را خود آورده بودند و میخواستند بجای چند نفر رای بدهند. آخوند مخدوخت برای دو نفر که منشان کمتر از ۱۶ سال بود و خودشان نیز حضور نداشتند برگ تحریره نوشته بود که مانع از اند اختر رای به صندوق شدم.

گوگان و حومه

اولین چیزی که به چشم میخورد تعداد کم شرکت کنندگان بود. بعدا معلوم شد که از ۶۰۰ نفر حائز شرایط تنها ۱۰۰ نفر شرکتگردهند.

یکی از هواران سازمان ما برای تهیه آمار، اسمی کسانی را که به کاندیداهای سازمان رای میدارند یاری اشت میکرد. دو صندوق بقیه در صفحه ۱۱

گزارشها را رسیده از تبریز و سایر شهرستانهای آذربایجان نشان میدهد که هیات حاکمه چگونه از بیسواری و ناگاهی توده های زحمتکش برای تصاحب کریمیهای مجلس استفاده میکند. بیسواری توده ها که نتیجه سالها سلطه امیر بالیسم و سرمایه داران بر میهم ماست بعنوان مناسن برای اعمال نفوذ و تحکیم قدرت هیئت حاکمه است) که از گزارشها بیانگر کاهش اعتماد مردم به حاکمیت در شهرهای آذربایجان مانند شهرهای سراسر میباشد است. ما در زیر برای افشا هرجمه بیشتر هیئت حاکمه قسته از گزارشها رسیده را ز حوزه های انتخابات را عیناً نقله میکنیم.

«حوزه شماره ۶۷ مسجد باب الحوایج»

ساعت ۱۰ رای کثیر شروع شد. محله خیلی فقری نشین بود و اکثر رای دهنگان بیسوار بودند و همراه خودشان لیست شش نفری حزب جمهوری اسلامی را می آوردند. کمیته پنج نفری محل برپا میگشت آخوندی بنام ناصری و سایر نمایندگان از شهربانی و کمیته بازدید و سیاه پاقداران وقتی متوجه شدند که من از طرف فدائیان خلق ناظر بر انتخابات هسته که خود را دست و پای خودشان را کم کردند و مواطنین فقار خودشان بودند. با مراجعته کنندگان طوری رفتارشده بود که گویا مهر نخورگی شناسنامه باعث تعقیب و ازیت آنان خواهد شد. بیشتر مراجعه کنندگان وقتی میخواستند رای بدهند می پرسیدم به کی میخواهی رای بدهی میگفت امهم نیست فعلا مهر را بنز بعد هر کس را که خواست بینویس. بعد از شماره آرا معلوم شد ۱۱۰ نفر در این انتخابات شرکت کردند. مقایسه تعداد شرکت کنندگان در اولین رفراندوم جمهوری اسلامی تا انتخابات مجلس شورای ملی سیز نزولی تعداد شرکت کنندگان را نشان میدهد.

رفراندوم جمهوری اسلامی ۱۸۰ ریاست جمهوری ۸۰۰

مجلس خبرگان ۱۳۰ شورای ملی ۵۱

قانون اساسی ۱۱۰

«حوزه شماره ۵۳ سیالاب قوشخانه»

در وسیه مورد افرادی میخواستند هر یک با چند شناسنامه رای بدهند که جلوگیری کردیم. دقیقا ۹ درصد افرادی که رای دادند بیسوار بودند. چون از حدود چهار صد نفر فقط بیست نفر خودشان اسامی را نوشته اند. اکثریت رای دهنگان لیستش کاندیدای جمهوری اسلامی را روی میز میگذاشتند و میگفتند برایان بنویسید

«حوزه استکو و حومه»

۹ درصد رای دهنگان را زحمتکشان تشکیل میدادند که اکثریت قریب به اتفاق آنها بیسوار بودند بعدا که تعریفه هارا

حوزه ۲۵ کوی ولیمه

از همان شروع کار نایابنده فرماندار در حدود مسئولیت بُلک تک اعضا توضیحاتی را داد و از همه خواست مسئولیت خود را انجام دهنده نماینده کمیته (کمیته شماره ۱—قهرمان عابدیتسی) اظهار پیکرد که من باید مصلح در داخل و برس صندوق رای گیری باشم اختلاف بالاگرفت و وقتی نماینده‌ای از طرف سپاه پاسداران برای نظارت به شعبه آمد مامور کمیته بار او فریاد می‌کند نماینده فرماندار تغلب می‌کند و به مردم می‌توید اسم فلاں کاندیدرا بنویسید. این حرف با مخالفت همه مأمور کیست.

از بستن اتهامات واهی این بود که کلا صندوق این شعبه را باطله شده لعلماً کند که موافق نمایند.

از موارد تقلب و سوءاستفاده که شد پدا مورد اعتراض من قرار می‌گیرد.

گرفت اولاً نوشت اسامی کاندیداها بوسیله بعضی از افراد هیئت اخذ رای بود. اعتراض من تا حد رسید جلوی اینکارها گرفت. ثانیاً در نظر این متنفذین و سرمایه داران محل حدود ۱۰ الی ۱۵ نفر از کارکران کارخانه ای که خود در آنجا کار می‌کردند را آورده بودند و برای تک تک آنها رای مینویسند. بعد از اینکه این افراد رای های خود را به صندوق بپوشانند نویسندر مزبور همچنان ایستاده بودند و منتظر کروه دیگری بودند. من به این مسئله اعتراض کرده و لفظ شرعاً حق ندارید بجای دیگران رای بذرباید و بعد از رای اند اختن باید اینجا را ترک کنید. ولی آنها واز رو رفته و می‌گفتند ما اینکار را خواهیم کرد. ما اجازه نمیدهیم شما کمونیستها برگردانه مردم سوار شوید. البته معلوم است مظهو آنها از گرده مردم گرده سرمایه داران است. در هر صورت ما آنها را قاطعانه از شعبه بپرین گردیم.

نوعی دیگر از تقلب و سوءاستفاده این بود که پیشتر در بیرون از شعبه اسامی ۶۷ نفر کاندیداهای جمهوری اسلامی را روی کاغذ نوشتند و به افراد می‌داد که همه این افراد اعتراض من قرار گرفتند و مایع کار شخص مزبور شدند.

حوزه ۲۵ خیابان ششگلان

حدود ساعت ۱۰ صبح دو غریب با کارنیز انتظار به حوزه آمدند و ادعای کردند که مامور بازرسی اند. با کشتن کارت آنها متوجه شدند که کارت آنها کارت بازرسی نبوده و دستگاری شده است. به مامورین حفاظتی گفتم آنها را نفتشی بدنی کرده و بازد این نماینده اند آنها با میلی اینکار را انجام دادند در این حین رایط فرمانداری با کارت بازرس آمد و به استثنا کاغذ امریکه مدون مهر و امضای فرمانداری از آنها آزاد کرد. این دو غریب فیاضی، آشنائی داشتند و معلوم شد که مامور کمیته بودند. در ساعت ۱۱ / ۱۱ / ۱۱ / ۱۲ / ۲۳ / ۵۸ بودند و نفر دیگر با کارت ادکانه انقلاب که نه تنها همچنین کمیته می‌گفتند اگر ساری خانی برایشان شام و نهار داده بود ناشیانه بهم می‌گفتند اگر ساری خانی پیروز شود پول شامها هدر می‌ورد.

بقیه در صفحه ۱۲

کزارنیات و مدارک ارسالی ۰۰۰۰۰ . بقیه از صفحه ۱۰

مرکزی بازار حدود ۰۰۰۰۰ را به نفع کاندیداهای فدائیان خلق ریخته شد. شنبه صبح بعد از شمارن آراء تعداد رای‌ها گلهیس را ۱۳۶ عدد فرایت کردند. معلوم شد که اکثریت آرای ما را در اطاق نظارت پاره کرده اند. رفیق آمارگر می‌نویسد در گوگان و حومه بطور کلی ۶۰۰ الی ۷۰۰ نفر به کاندیداهای سازمان رای دادند و مانهاده بودیم که حدود ۴۰۰ نفر بینتر در انتخابات شرکت نکردند. رای سازمان بطور کلی ۵۰ ارای اعلام شد و بقیه رای‌های ما در اطاق‌های درسته بمحاسب شنیدند. گجه‌بری اسلامی خوانده شد.

در گوگان در انتخابا مجلس خبرگان نیز گلهیس ۴۱۵ رای آوره بود که از طرف متقاضات دستادر کار ۱۴۵ رای اعلام شد. بالا رفتن تعداد آرای سازمان ما در انتخابا اخیر نشان دهنده نزد روز از زون سازمان ما در میان فحص‌کشان است. اثیر شرکت کنندگان از جوانان بودند استقبال هالو، از ما چشم گیر بودند هم‌داران علل استقبال بی نظیر مردم را از کاندیداهای صانشیز مناظره تلویزیونی سازمان و همچنین عدم برآورده خواستهای مردم از طرف حاکمیتو قطع امید مردم از آنها میدانستند.

روستا کجوار حوزه ۲۹۲

اكتربیت مردم این روستا (۰۰۰۰۰) بسوار بودند. بر موقع شمارن آرای ترتیب رایها اثرا طوری بود که معلوم میشد با آنها صفت نگرفته است مثلاً اسم خیابانی را در کنار غروی و موسمی نوشته بودند. تعداد شرکت کنندگان در روستان و جمهوری اسلامی در این روستا ۱۲۰۰ نفر بود. در انتخابات رای است جمهوری ۴۵ نفر شرکت کرده بودند و در انتخابات اخیر ۴۰۸ رای به صندوقها ریخته شدند.

حوزه ۳۸ شماره ۳۸ محله چلبی مسجد امام زمان

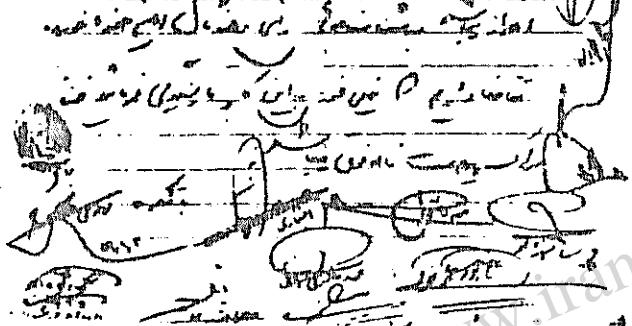
۰۰۰۰۰ رای دهنده‌گان بی صواب بودند و اسامی هیچیزی از کاندیداهارا نمی‌دانستند. مردم پوسترها و کارتهای راکه توسط مسید جمال الدین حسینی و با همکاری دیگر ریش سفیدان تهیه شده بود می‌آورند و می‌گفتند به اینها رای میدهم. طرفداران فدائیان و سایر نیروهای انقلابی که می‌خواستند رای مخفی خود را به صندوق بریزند بلا فاصله مردم شناسایی انجمن نظارت فرار می‌گفتند. یکی از اعضاً انجمن تحت عنوان شوخی و باصدای بلند که همه بشنوند رویه دوستش کرده و می‌گفت هرگاه به کمونیستها رای بد هی بدبخت می‌کنم. خلاصه یک جو غیر دمکراتیک برعایه نیروهای انقلابی و مترقب بی‌جود آورده بودند. کسانی که آنای ساری خانی برایشان شام و نهار داده بود ناشیانه بهم می‌گفتند اگر ساری خانی پیروز شود پول شامها هدر می‌ورد.

| ردیف نام |
|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|----------|
| ردیف نام |
| ردیف نام |
| ردیف نام |
| ردیف نام |

۱۳۵۹/۳

دستگیری مولایی اسرار

میرزا زین الدین رضی ملکه - دلخواهی احمدی حبی
 آن من (جقیق) خود - احمدی آن ۱۲۲ سال میلادی
 و افسوس خوب است - خوش این بخوبیت - خوبی است
 که در راه پیشوای - هر چهار چشم توانند بدویان خود
 اهل پیغمبر مصطفی خواهند شد - اهل پیغمبر مصطفی



- دستگیری احمدی از ۲۷ - احمدی از دشمنان خود
- عین الدین زین الدین احمدی از دشمنان خود
- عین الدین احمدی از دشمنان خود

ظیله مکتدار احمدی از دشمنان خود

ظیله مکتدار احمدی از دشمنان خود

درست - ۱۳۵۹/۳/۲۷ - میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود - ۱۳۵۹/۳/۲۷ - میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

دستگیری - ۱۳۵۹/۳/۲۷ - مرضیه میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود - ۱۳۵۹/۳/۲۷ - مرضیه میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

کیم میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱- بزرگ میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۲- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۳- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۴- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۵- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۶- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۷- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۸- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۹- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۰- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۱- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۲- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۳- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۴- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۵- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۶- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۷- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۸- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۱۹- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۲۰- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

۲۱- میرزا زین الدین احمدی از دشمنان خود

حوزه ۱۲۱ مسجد مشهدی علی

همه اهل محل کارستون نوشتهای که اسمی ۶- نفر کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی را بروی آن نوشته بودند همراه داشتند و قتنی از آنها پرسیدم اسمی کاندیداهای را گه آوردم ای چیست؟ گفتند نهی رانیم.

پیک دختر که گویا دختر ریش سفید محل بود ساعت هشت وارد مسجد شد و گفت من هم نماینده هستم وقتی از او کارت خواستم پیک کاغذ پلی کنی فاقد اعتبار بدستم دارد. من اعتراض کردم ولی چون او دختر بود و ریش سفید های محل او او حمایت میکردند نتوانستم از مسجد بیرون شکم. ولی در حین رای گیری بارها مجنون را گرفتم و تقلیل شنید که این رای اوبجای کاندیداهای که مردم میگفتند اسمی موسوی و ساریخانی را مینهشتند تا هسته شنبه رای گیری تعامد. نماینده فرماده ام و سایر لعضا گفتند که من نباید آنجا باشم. من اعتراض کردم ولی آنها گفتند که استاندار دستور را به شما نهایتی داده من قبول نکرده و گفتم حتی اگر استاندار خودش اینجا آمد و مانع شود من نخواهم رفت. من از طرف سازمان آدم‌خان و تا آخر باید همین جا باشم. خلاصه آنها کوتاه آمدند و یکی شان گفت ماکه نمی - خواهیم تقلب کنیم پس از چه می ترسم این آقا هم باشد. بالاخره شمارش آرا شروع شد. فوارش چهار نفر مقابله آرا خوانده شده علاوه برگشته بگردند و یک نفر رایها را از صندوق در آورد و بخواند. من نیز ماهر کنترل شدم. موقع نشست آنها هر کدام در گوشهاي -

نشستند که من مخالفت کرده و گفتم یا وی آنکه بتوانم کنترل کنم باید همکی در یکجا بنشینند، وقتی ۱ سام سازمان ما و دیگر گروههای صریخ خوانده مینهند علامت نمی گذشتند که من بلاfaciale تذکر داده و گفتم آفاجرا علامت نمی زنی واوبا دست یا چکی گذاشت محدود شده خواهیم فکم جای دیگری بود. چون امکان کنترل دقیق هر چهار نفر نبود خیلی از اسمی ها یا عوضی خوانده میشد و پس اعلاضی جلوی اسمی ها و نیزهای صریح دیگر نمی گذشتند. جلوی اسمی موسوی و ساریخانی خیلی بیشتر علامت میزدند.

资讯港报章新闻摘要

حوزه ۹۷ کوی مجاهدان بن پشت کارخانه توکلی

راه روی مسجد مزن به آنیش تبلیغاتی شنی کاندیدای حزب جمهوری اسلامی بود. با انتراوی من پوستر را زد و بار بزرگ شدند. در محل رای گیری ۵- نفر از معتقدین محل بود. یک نفر نماینده استاندار و دو نفر پاسدار و یک پاسبان از شهریاری نیز جزو هیئت نظارت بودند. پاسبان فوق جز مامورین گارد سایو داشتگاه بود اویی - گفت شما از طرف فرمانداری به ما معتری شدید اید و حق ندارید اینجا باشید و کارشما اعتبار ندارد. بالاخره بعد از مدتی از من اصرار و ایشان انکار، به او گفتم به فرمانداری تلفن کن و پیشیم. بعد از تلفن ماجرا پایان یافت.

اکثر مراجعه کنندگان بیسوار بودند و اکثر اسمی کاندیدهارانی - داشتند. آنها از شخصی بنام حاج عباس که جز معتقدین محل بود راهنمائی میخواستند. حاج عباس نیز در قه معمولی شش نفر را در آورد و به آنها میدار و میگفتند اینها رای بد دهید. به اینکار

کزارشات و مدارک ارسالی ۰۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۱ حوزه مراجعته کردند. این ۵- نفر را نیز بعد از بازجویی بدشی بار اشتکار کردند. نیم ساعت بعد مامور وزیر را کاه انقلاب بسا حکم ماموریت میکرد و آنها را آزاد کرد.

مشکی وارد حوزه شده مستقیماً سر صندوق رفته و شناسنامه و کاندیدی را که نام کاندیدا هارا رویش نوشته بود به صندوق دارد. اهالی محل اورامیشن احتند ولی به بهانه اینکه شناسنامه افسوس ندارد از اورای نگرفتند. آنها ادعا میکردند که این زن رانی - شناسندندند هنوز میزد با عصبانیستی هنوز رفت و بعد از مدتی با پسر جوانش پرکشید، معلوم شد که زن مزبور هوانار مجاہدین است و اهالی کاملاً اورا می شناسند ولی ماموران حوزه صرفاً به دلیل هوانار بودند او به مجاہدین مانع اندختن رای او به صندوق شده و اسمی کاندیداهای اورایاره کرده بودند. این عمل شدیداً میزد اعتراض من مزارگرفت و شخصی را که مانع اندختن رای این زن شده بود از حوزه بیرون انداختیم.

سلعات حدود ۱/۵ بود که عده ای زن و مرد رومتایی بخشایش وارد حوزه شده وهمه جا به اریاب رومتا (بخشایش) راند رانند. آنها بیسوار بودند و از ما خواستند تا بقیه ۵- نفر را نیز ما پر کیم. گفتیم اینکار را نمی کنیم. در این حین از کشکن مسجد سروچدا بلند شد. معلوم شد شخصی را که بلا از مسجد بیرون کرده بودیم (البر حاجی فرجی) برگهای تعریفه رومتاییان را گرفته و اسمی ۶- کاندیدای جمهوری اسلامی را برایشان پر کرده است. این عمل مورث اعتراض جوانسان محل قرارگرفته بود. در حینی که ما مشغول بررسی قصبه بودیم زوایه سروچدا بلند برگشته و دیدیم پاسبانی بنام (علی نزار - صوفیان) همان پسری را که صحیح همراه مادرش به حوزه مراجعته کرده و به هاره کردن لیست لاندید مادرش اعتراض کرد میزد، زیرا مشت و لگد گرفته تریش اسلحه کشیده است. عده ای از اهالی پشت در ایستاده و به این عمل پاسبان با صدای بلند اعتراض صیغدند.

ولی ماهر کیته با ۳-۴ مانع از هر دو مرد به مسجد و نجاستیم. جوان از سرستهای ایمان بود. بعد از آرام شدن او قاعده در داخل مسجد شروعی تشکیل را نیم و این عمل را محکوم کردیم. مردم شدیداً بعمل پاسبان مزبور معتبرش بودند. نزد یکیهای عصر استاندار پسرای سرکشی به حوزه آمد. پاسبان فروا چلو و دیده و با چاپلوسی شروع به دستانسرایی برای غرق کرد. حرفهای پاسبان مرد تایید هم بعیاز من قرارگرفت. حتی پاسدارهایها یکسری حواسی تبدیل گشته طرف پاسبان را گرفت (در حالیکه صحیح به عمل پاسبان اعتراض کرده بود). من رو به جمهیت کرده و تمام درونگوئی و چاپلوسی اعضای هیئت را اشنا کردم. مردم بشد تمحیث تاثیر فرارگریت بودند. آنها حقیقتگویی یلکنونیست را با درونگوئی و چاپلوسی مسلمانان!

من کشور مقابله میکردند. حتی پاسدار و ماهر کیته نیز احسان شدم میکردند. استاندار که از این وضعیت بشدت عصبانی شده بود. شروع به بازجویی از من کرد. و بار دسته و میتوانست زیار کارت مسرا بازرسی کرد... .

پیغام.

رفیق گزارشگر ما مینویسد: مردم میانه بدليل محدود ساختن نیروهای انقلابی و متفرق در تبلیغات کاندیداهای انقلابی را خوب نمی‌شناختند و افراد شناخته شده (کاندیداهای حاکمیت) بودند قبولشان نبود بهمین جهت وقتی از آنان پرسید: "به چه کسی رای میدهی؟" گفت: "هیچکدام همه شان مثل هم اند مگر سلیمانی (از نماینده کاندید) و دیگران چه کردند که میر سجادها (کاندید حزب جمهوری اسلامی) چه کنند؟" پرسید: بیشتر مردم در انتخابات شرکت کردند. ولی من در مرد افرادی که شرکت کردند میتوان گفت عده ای که بیسواند و در سطح پائین آگاهی بودند بنا به شرایط حاکم و تبلیغات سوسیسی که از طرف حاج میر سجادی ها میشد از قبیل تبلیغاتی که میتوانند معرفی کردند وی بدروغ بعنوان عضو حزب رمکار بدليل جو حاکم بر صندوق های رای گیری به کاندید های حزب جمهوری اسلامی رای دادند در مقابل افراد آگاه هم آرای خود را به نفع فاسمازو به صندوقها ویختند.

رفیقی از میانه مینویسد: در حوزه انتخاباتی مسجد جامع در هر گونه ۳-۴ نفر جمع شده بودند و برای افراطی سوانح ای رایی نوشته شدند. برایک مرد بیسواندی که شکار یکی از گروهها شده بود خود که هیچکدام از کاندیدها را نمی‌شناخت با چند دقیقه سکوت بالاخره اسم کاندیدی را از زبان محاضر کنندگان بیود و نام میر سجاد را بر زبان آورد و طرفداران وی با خوشحالی اسم این کاندید را روی یک رای نوشته و درین میان یکی از طرفداران اشاراقی که در آنجا بود از مردم استفاده کرده با نیماری گفت "تو خود را دری برو و انتخابکن و در نان روحانیویم" نفوذ دیگر مثل اشاراقی زیاد ناریسم: برای دهنده هلاکاری از گفت پس نام اشاراقی را هم بنویسیم.

در حوزه انتخاباتی مسجد چراغ نماینده سازمان ما و جنبش ملی میباشدین برای نظارت بر رای گیری را از حوزه اخراج کردند. در حیاط مسجد یک حاجی نشسته بود و از هر کسی که برای رای پیداشد میداد ابتدا پرسید: "کی من خواهی رای بدیدم؟" که اکثرها میگفتند: "هر کس را تویی خواهی ویا پرسید: "مرا وکیل می‌کنی؟" و بدین ترتیب با استفاده ازی سواری و لعنتاد غیر آگاهانه مرد آرا آنان رایه نفع میر سجاد به صندوق میریخت.

درینکی از هاتزد یک میانه بنام اولنیق که رای گیری صورت می‌گرفت به صحبت های روزنده هایی که رای گیری از دیگرسی پرسید: "به چه کسی رای بد هیم دیگری جواب داد: "چشمها یست را بینند و دسته را روی لیست کاندید اها بگذار دستواری هر کدام افتخار به اورای بده که این تعلویه بارزی از ناگاهی مردم میباشد که بدینها متوجه سو استفاده حکومت های استشاراتی قرار گرفته و خواهد گرفت.

از هیک کارمند اداره فرهنگ سوانح شد به چه کسی رای خواهی دارد؟ وی در جواب گفت: "به ... و فاسسلو" بعلت اینکه چندین هزار

بقيع در صفحه ۱۲

گزارشات و مدارک ارسالی ۰۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۲
اعتراف کرده و گفتم تمام این تبلیغات را به سازمان اطلاع خواهیم داد. آنها دستواری خود را جمع کرده و تا آخر رای گیری دست به این نوع تقلب نزد نداشتند.

با استفاده از ۵ عدد شناسنامه بین عکس رای به صندوقهای ریخته شد. وقتی من لغت از کردم معتقد بین محل گفتند ما آنها را میشناسیم و شناسنامه مال خودشان است. بیان از ۱۵ مرد افراد علاوه بر رای خود به شناسنامه هایی که همراه آورده بودند میگفتند شناسنامه زن، پدر و یامادرشان است رای انداختند من برای اینکه ثابت کنم شناسنامه مال عایلهایشان نیستم که افتادی معتقد بین محل، از یکنفر که به ادعای خودش شناسنامه زن را همراه داشته شناسنامه را گرفته و در محلی که نام زن و فرزند اتفاق را نوشته بودند نگاه کردم و از او پرسیدم اسم زنست چیست؟ در جواب اسم را عرضی گفت، اسم فرزند اش را پرسیدم (در شناسنامه اصم ۵- فرزند ثبت شده بود) اسم ۳- نفر را گفت که در روتای آنها با اسامی نوشته شده در شناسنامه وفق نی دارد. رویه معتقد بین محل گردد و گفتم شما این طوری معتقد محل هستید؟

شخص دیگری شناسنامه ای همراه آورده و ادعای میکرد مال اختیرش (نرگس) است. میخواست بجای اورای بدهد. من مخالفت کردم و اجازه رای دادن به او ندادم. او در جواب گفت در انتخابات قبلی در رفراندوم مجلس خبرگان، قانون اساسی من بجای دخترم رای داده ام و جای مهرهای قبلی را نشان دارد. شناسنامه را از دستش گرفتم و دیدم دخترش از سن ۱۶ سال چند ماه نیز کمتر دارد. در زمان انتخابات قبلی نیز که از حدود یکسال قبل نمروع شد. سنه از این نیز کمتر بوده است ولی تمام مهرهای روی شناسنامه کواهی است که او بدون من گانوئی برای انتخابات دو همه آنها شرکت کرده است.

در تمام مدترانه ای که میگذر نشان داده و گفتند اوناینده فدائیان است. در ساعتهاي آخر روز با همه صدمی شده بودم یکنفر جلو آمده و اسم را پرسید. اسم را گفته واز او پرسیدم برای چه میخواهی گفت میخواهم به تو رای بدهم. گفتم من کاندید نیستم. گفت پس اسامی کاندید ایشان را بگوی. گفتم چون من جزو هیئت نظارت هستم نی توانم اینکار را بکنم از دیگران سوال کن و بذویس که اینکار را کرد.

یکی از رفقاء داشت آموز می نویسد:

روز انتخابات سه نفر که ظاهرا کاغذ های را که مبنی بر کنار رفتن کاندید اهای سازمان ما بود، پخش میکردند و هیچکس مانع کار آنان نبود. من آنها را در حوالی شب مسجد، مه پیکر، مسجد غربیها و مسجدی که روی روی میدان قطب بود دیدم.

شیخ

علی‌غم اینکه از روز پنجمین تبلیغات انتخاباتی ممنوع اعلام شده بود نسب قبیل از رای کمی عکس‌های مجتهد شستی و طبی در مقابل حوزه و سیمی‌های حوزه و روستاها چسبانده شد.

بعزارش یکی از هواناران دریکی از حوزه‌ها هر رائی که به اسم رفیق علی‌رمضانی از صندوق بیرون می‌آمد بلا قابل برآورده بود.

طبق شمارش دقیق آرا علی‌رمضانی (کاندید سازمان) از ۱۲۰ رای ببالا بود ولی از صندوق فقط ۲۰ رای بیرون آمد!

با وجود تبلیغات و لعمال نفوذ‌ها و تبلیغات غواصان درین رای کمی نیز استقبال مردم کاهش یافت ارقام زیر بخوبی سیر نزولی استقبال مردم شیخ را از انتخابات نشان میدهد.

در انتخابات جمهوری اسلامی	
تعداد شرکت‌کننده	۵۹۰۰۰ نفر
ثابت اساسی	۳۲۲۰۰ نفر
مجلس شوای ملی	۲۷۲۵۶ نفر
	۲۷۲۵۶ نفر

جشنه ننان شیخ : مسئولین بعلت تکریت تقلب مجبور به ابطال صندوق رای کمی شدند.

(بیان شیخ) : در این حوزه‌هیات نظار خود مشغول نوشتن آرای مردم بودند و حق یکی مأمور زن بتحصیلهای نظار اصرار ناشیت آرای زنان با سواردا هم بتویسند. زمانیکه من حق یکی از اعضا هیات نظار را گرفتم، شروع به داد و بیدار کرد که من نو خواستم بتویسیم بلطف این شخصی به من مراجعت کرد و خواست رای او را بتویسیم و من قبول نکردم. پاسدار و سایر اعضا هیات نظار نه بروشنی شاهد چریان بودند حاضر شدند و موضوع را صورت جلسه کنیم و معلوم شد کاملاً با هم دست به پنجه کردند!

زینب احمد بیرون ۱۳ ساله بر احتی رای خود را به صندوق ریختن در مقابل اعتراف من آنان شروع به تهمت زدن کردند که من می‌خواهم صندوق را آتش زنم و ...

در یک مرور بک بیرون با چهارشنبه‌نامه رأی اندخته بود و وقتی به هیات نظار اعتراف کرد این بار بظرف من مهنه در شدند و شروع به خفاشی و شتمت زدن نمودند، احمد پور مأمور بخشداری می‌گفت مردم ما احمق هستند که اجازه میدهند شماها اینجا بپید ایمان بشود و من می‌گفتم: مردم ما احمق نیستند کسانی احمقند از رای این مردم زحمتکار و صارق و بی سعاد سواستفاده می‌کنند. مردم کفته مردا ناید نکردند.

روستای ناوارلی (نوالو) - در این روستا نماینده سازمان ما برای نثارت بر انتخابات اخراج شد و با مدارس علناها ایجاد رعب و حشت زحمتکار را از رای دادن به کاندید سازمان بسر حذر میداشتند. از رای دادن حدود ۴۰ نفر (تا آنجا که طرفداران ما توانستند برآورده کنند) نه می‌خواستند به نفع - بقیه در صفحه ۱۵

نفر رهایی ناگذ آنان را که تابع خلخال بودند با زخمی ای زیاد تابع میانه کردند و به آنها خدمات زیادی کردند.

از یکه اشن آموز سوان شد چرا به قاسملو که دارای برنامه‌ها و سوابق خوبی است رای نداده است؟ جواب داد من برنامه‌ها و مطالعه کردند و در آن برنامه تمام در راهی ما نوشته شده و بنی چین فاسملو دارای عقاید کمونیستی است به اورای ندادند. این امر بخوبی نشان می‌دهد که چونه سرمایه‌داران با تبلیغات می‌نمودند و غیر واقعی بر علیه کمونیستها زحمتکشان را از طرفداران واقعی خود (کمونیستها) جدا کردند. در حالیکه فقط برنامه‌های کمونیستها بد رسمیتی بیانگر خواستهای زحمتکشان است.

از یک نفر بیسواد پرسیدم: به چه کسی رای داده است؟ وی جواب داد: در موقع نیاز جماعت از شیعه‌های نایانه شریعت‌مند ای پرسیدم که به چه کسی رای بدھیم؟ گفت به جوانمردی وحید رجم که آدم‌های خوب هستند! رای بدھید. ولی من به آنها رای ندادم (البته هر دو نفر منور ساواکی هستند و آخوند) جوانمردی عنو حزب خلق سلطان نیز می‌باشد. وحید رجم ارشادی بوده و در سرکوب دانشجویان مبارز دانشگاه تهران نقش مؤثری داشته است. در حالیکه نایاندگار واقعی زحمتکشان و طرفداران منافق کارگران و دهقانان بجزم ما رنسیست بودند از کاندید اتیو حذف می‌شوند و استگان رئیم سابق و عمال امیریالی زم آزاد به تبلیغ می‌شوند!

در حوزه مسجد علمیه: یکه بیرون برگ رای را به یکی از منشی‌ها داده بود نام حسین نوار و قاسملو را بنویسد و منشی نام امیراکی را نوشته بود بیرون از کسی که کنارس ایستاده بود می‌پرسد در برگ رای من نام چه کسی را نوشته اید. وی می‌گوید: امیراکی بیرون مفترضانه می‌گوید من نام فاسملو و حسین نوار را گفتند و نو حوزه وضع متشنجی بوجود می‌آید.

زنگان

نتایج اراده است آمد و نشان میدهد که ۳۰ درصد از کسانی که حق رای را شدند در انتخابات شرکت نمودند، و شرکت‌کنندگان نیز تحت تاثیر گردندگان حوزه‌ها و لعمال نفوذ از طرف حزب‌جمهور اسلامی و روحانیو تراکرگته و از روی ناگاهی آرای خود را به نفع آنها به صندوقها ریختند. در روز انتخابات حوزه‌های رای کمی اکثر خلوت بود بر عرض صعبهای طولی که در مقابل فروشگاه‌های چیهار سازندگی که برای دریافت خواربار و تخم مرغ و سیگار منتظر بودند بیشتر بچشم می‌خورد.

در روستای سیاه رود از توابع زنجان ناگاهی و بیسوادی توده های زحمتکار بصورت در در آبر و قاجعه آمیزی نمودند اشت درین روستا اسماه، کاندید اهارابر روی تخته سیاه نوشته شده بود پاسداران از افراز بیسواد می‌خواستند که یکی از اسماه را با انگشت‌لنگن بدند و آنها انگشت‌شان را به روی یکی از اسماه می‌گذشتند و زمانیکه می‌خواستند اثر انگشت‌خود را روی رفته رای بزنند انگشت خود را به استخاب زده و برای بار دوم به تخته سیاه خشار میدارند.

میر مجیدی، کاندید دیگری که پاک و مراحت نیز تمام بخش زادگاه خود را در اختیار داشت و روز پنچشنبه (یک روز قبل از روز رای کیزی) شروع به اخذ رای کرد و بود او نمایندهٔ فرمانداری را برای نظارت بر صندوقها راه نداد و با تعداد افزایی شناسنامه متعلق به افراد مرد رای کیزی کرد. حق داشت آموزان مدرسه راهنمایی که سشنان به حد لازم (۱۶ سال) نرسیده به نفع وی رای دادند.

گزارشات و مدارک ارسالی از شهرستانها ۰۰۰ بقیه از من ۱۴ کاندید سازمان رای بد هند جلوگیری بعده آمد، حتی آنها را تهدید به دستگیری و جلب به پاسکاه میزدند و من گفتند "ما شما را به پاسکاه جلب می‌نمی‌کسانی نه پشتیان شما هستند — بیایند شما را آزاد کنند". حق بعضی از آرای طرفداران سازمان را باطل کردند.

از آنها که بیشتر جوانان زحمتکش در این روستا طرفدار سازمان هستند و بعد از اتمام نارشان (از ه بعد از ظهر) میخواستند رای بد هند و مسئولین به این امر آگاه بودند مدعی داشتند بهر نحوی شده رای کیزی را سریعاً خاتمه بد هند وبالآخره ۳۵ — دقیقه مانده به موعده مقرر رای کیزی را تعطیل اعلام کردند و صندوقها را بستند. این کار ختم جوانان را برآثیخت. آنان بال لکد به دری کویدند و میگفتند "باز کنید ما رای خواهیم داد".

افراد حزب جمهوری اسلامی ابتدا صندوق را به بهانهٔ ابطال ۱ بیدون نهارت هیات مسئول برای شمارش به شبستر میرزد و بعد از آن مطمئن میشوند آرای خودشان بیشتر است مسئولین را برای نظارت فرا میخواهند. یار آمر میشویم طبق شمارش رفاقتی ما آرای ریخته شده بنفع ما ۲۵ عدد بود که ۶۶ عدد اعدام میشود.

در حوزه های رای کیزی دریان، نوزه کنان، شندآباد، مراد آباد، کاف الملک، تقلب همچون حوزه های دیگریه چشم میخورد و موارد زیاده مشاهده کردید که افراد بد ون توجه به نظر رای رهند اسماً محتبه شیختر را مینهندند و یا یک نفر با جتن شناسنامه رای میدارد.

در قریه یوسف آباد از ۲۰ نفر حائزین شرایط براب رای دارند — فقط ۵ نفر رای خود را به صندوقها ریختند. صندوق شماره ۴ ه دینج خلیل (سیار). یک نفر در اطراف صندوق تبلیغ میزد: "اگر برای رای دادن نیایند برج و روغن نخواهیم داد".! در روستایی افی الملک اشخاص چون خلیل بزرگی و میر کریم مسعود و ... در مقابل اعتراض طرفداران ما تقدیم کنند زدن آنها را داشتند و حبسی عده ای بیک بددست را آماده کرده بودند.

خلیفه‌الله:

تمداد شرکت کنندگان در انتخابات مجلس شورای اعلی نسبت به انتخابات قبلی سیر نزولی را نشان میدهد و در انتخابات این — شهر نیز تقلیل بتو سواستفاده از ناکاها تودهها و اعمال نفوذ نظر فراوان بچشم میخورد. آرای دو نفر کاندید افی که به مرحله دوم راه یافته‌اند، بیشتر از این راه بدمت آمده است. حاجی غفور برادر شیع صادق خلخالی طرفداران خود را بر سر صندوقها کشته بود که بزیر از مردم رای می‌گرفتند در هر روزتا نه به او رای نمی‌دادند صندوق راجح کرده و مانع رای دادن اهالی میشدند، حتی روز انتخابات وسیما تبلیغ میکرد که چه شما بعن رای بدهید چه ندهید من انتخاب شده ام، و یا بدروغ میگفت: "سایر کاندیدها به نفع من کار کنیده اند".

رئيس

در میاند و آب: بیشتر ناظرین ما را برای نظارت قبول نکردند و حق کمیته به هیات نظارت یک حوزه نتفه بود: از دست کمیستها به جان آمده ام و جای دیگر نتفه بود: اگر پیدا یاشان شود فرو — دستگیری شان کنید.

سوء استفاده از ناکاها و بیسواری مردم همچون دیگر حوزه‌ها وجود داشت، شناسنامه نشانی را که حد سر میزدند به کاندید سازمان رای بد هند بدقت بازرسی کنند! ولی در موعد پیوسته به میوجوه کنترلی نبود. بقیه در صفحه ۱۷

اعتراض کارگران به اخراج خویی از شرکت سیوند بقیه از صفحه ۲

۵۸/۱۱/۲۱ — تالی

مقام معظم ریاست محترم
اداره وزارت کار پاره‌من آهاد همان احتراماً معرض میدارم اینجا نسبت کارگران شرکت می‌باشد که از تاریخ ۱۵/۹/۱۵ به کار هستیم از اداره مدتزم و مسئولین کار تقاضا می‌شود به شکایت کارگران مستضطر فارسیده کنید و تکلیف مارا روشن کنید، اما قرار نیستم چون زندگی را بچرخانیم، اما کنندگان نیز کارگران بیکار شرکت می‌باشد هستند.

- ۱- اسماعیل ندرتی
- ۱۱- علی محمدی
- ۱۲- حسین عباس
- ۱۳- شهیار شهبازیان
- ۱۴- عزت معزیزی
- ۱۵- حاج محمد رحیمی
- ۱۶- احسان کرامتی
- ۱۷- سفیا کریمی
- ۱۸- الله یوسفی
- ۱۹- مارالان طالبی
- ۲۰- علی مرجو

در اهتزاز باد پرچم خونین رزم کارگران و زحمتکشان

اهم

کرد و با عمال خود نا آخرین فرصت رای کمی اد اهداده است
و با هیچ گونه عکس العملی از طرف مستولین روبرو نشده است.

۲- حمله هدایت شده و حساب شده داردسته او باش مزد بر
و سرقت کارتهای ناظرین انتخابات پیشیجتا بهم رختن امور نظارت
بطوریکه بعضی از کاندیداهای چند ساعت بعد از موعد مقر سر
صد و قبها حاضر شده اند و بعضی از صندوقها تا ظهر بازرس
نداشته اند.

۳- وجود دخالت، توصیه، اعمال فشار، تهدید از طرف عنصر
و گروههای مستول و غیر مستول و ممانعت از کار ناظرین
این سازمانهای انتدای و فرقی و ایجاد توهین و فحاشی
و تهدید بالاسلحه . به عنوان نمونه در حوزه ۹۱ شاه
آباد سفلی (۴- مأمور مصلح) با تهدید اسلحه رفیق ناظر
مارا از اطراف صندوق در نموده و در آخر وقت موقع شمارش آرا

نیز در حضیر افراد فراوان وغیر مستول شروع به شروع آرا
نموده اند و آرای سازمان ما را پاره کرده و اینین برده اندر به عنوان
مثال حتی یک رای هم به اسم کاندیداهای سازمان ما خواهند شد
در صورتی که حد الشر خود رفیق ناظر ما رای به کاندیداهای
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران^۶ مجاہدین خلق ایران را داده
بود).

۴- وجود پوستر و اسما ۱- نفر کاندیدای حزب جمهوری -
اسلامی و موتلیفین در اکثر حوزه ها، رای کمی در پرته هایی
که از طرف عوامل این ۶- نفر بدست اکثر رأی دهنده کاندیداهای
و مستولین حوزه ها هیچ گونه مانع نباشد نمی آوردند.
این اعمال به شدیدترین وجهی در روستاهای خوش سایر نکته نظراتی که
وجود داشته است.

۵- قراردادن رادیو و تلویزیون از ۸۰ ساعتمنده به انتخابات
تا آخرین لحظه خاتمه رای کمی را اختیار تبلیغ خط فکری شخص
و دارنیست فکری شخصی مردم و پیش صاحبه ها و گزارشات
دست چین وسانسور شده به عنوان پخش سایر نکته نظراتی که
قطعاً میشه است.

با توجه آشکار بودن موارد تقلب اعلام میداریم که از نظر مسا
نتیجه رای کمی هرگز تیپی را شنیده باشد باطل بوده و ما ضمن -
ابراز اعتراض شدید خوبی جمع بندی این اعمال و نقش حقوقی
اساسی مردم را با تمام شواهد و مدارک موبیو به پیشگاه
خلق مرضی خواهیم داشت.

حسین - حسین پیغمبر
ابوالفضل محقق

نعمت اللہ - محمد ملک

کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -

شاخه آذربایجان

۰۸/۱۲/۲۶

کاندیدای مرد حمایت سازمانها در اهر بجز مارکسیست بودند
حذف شد. این عمل حاکمیتبار دیگر ماهیت آن را برای نویه ها
روشن نمی ساخت. گزارش های رسیده از اهر بیانگر اینست
که کسانی که در یافته اند مدافعین واقعی زحمتکشان چشمی و هافی
هستند از حذف نام کاندیدای مادر اهر ناراضی و ناراحت
بودند در قبه خانه های اطراف زحمتکشان درین مسورة
گفته اند که علی نوری هنگامیکه در زندان شاه بود کسانی چون
فرماندار و دیگر بهتر شرکت این های امریونی نزاعی و نوش بودند.
یا اکارگری گفته، علت حذف علی نوری طرفداری فی
از زحمتکشان بوده است نه بهانه های که آنان عنوان کرده اند.
چند درستی که رفاقتی ما با آنها صعبت کرده اند. این
کاندید فدائی که می گویند از همان فدائی هاست که عاشیق
حسن می خواند ۷ رفاقت جواب میدهد بلی، روستاییان
گفته اند: "تجذب ندارد که کاندید ندانیان را حذف کنند آنها
طرفدار زحمتکشان هستند و ولتنی گذار آنها فعالیت کنند".

محاججهای شیعی

استقبال مردم از انتخابات در عجیب شیر نیز نسبت به رای گیری های
سابق کاهش چشمگیری داشته است. در فرانکوم جمهوری اسلامی
بین از ۴ هزار نفر شرکت اشتند در حالیکه این بار فقط حدود
۶ هزار نفر شرکت کردند.

هزار و سیاهی شیعیان

از ترکیب محاججهای شیعی

تعداد آرای رفاقت اسلامی ۲۱۰۰ رای، مجلس
خبرگان ۳۰۰ رای، و آرای ریخته شده به صندوقها در انتخابات
مجلس شورای ملی ۸۲۶ عدد میباشد.

حقن اعتیار امنی کاندیداهای

شاخه آذربایجان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به
تجھیز برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی
مقام فرمانداری تبریز

با توجه به اعمال نفع و تقلبات نامحدودی که در جریان انتخابات
انجام گرفته است ما کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران وارمه زیر را به عنوان حقن آشکار حقوق دکراتیک مردم تلقی
کرده و بدینوسیله اعتراض خوبی را در ارتباط با موارد متعدد تقلب
و اعمال شدید در انتخابات اعلام میداریم.

۱- نفت کامل اصول دکراتیک از طرف ۶- نفر کاندید حزب جمهوری
اسلامی و موتلیفین . و بدليل اینکه اکثر این افراد را رئیس ارگانهای
مانند رادیوه انتلاب اسلام - معاون سیاسی استانداری - فرماندار
قبل از انتخابات . از پر کل بهداری و ... بوده و با استفاده از این
امکانات در مددی که هر گونا تبلیغ منع لعلام شده بود اقدام به تبلیغ

گزارشات و مدارک ارسالی از مباند و آب... بقیه از ۱۵ صفحه

در حوزه مسجد صاحب الزما... رفیق ما در مقاله اعتراض به تقلب، زیر ضربات تک و قندای تفنگ دو نفر از مأمورین تعیته قرار گشته‌اند. در حوزه مدرسه راهنمائی عاصم، یکی از افراد وابسته به — باشد ازان میخواهد از هوار اران سازمان که به کاندید ما رای میداردند عکریستیرد که مورد اعتراض شدید قرار میگرد. مردم برآشته و میخواستند پوی را کلک بزنند با همیاری هوار اران میگردند. "یکی از رفقا انتخاب من کند و من کوید" مردم فضایت کنید این است ماهیت اصلی این افراد. اینها میخواهند فرزندان راستین خلق را شناسائی ننند.

***** ***

مشکین شهر؛

در حوزه رای تیری یکی از روستاها — بر روی تخته سیاه نویته شده بود آیت الله همت نایب امام است باید به همت رای بد هید، یک مرد روستائی اعتراض می‌کند و می‌کوید "اگر انتخابات آزاد است ممکنه کاندید اها را روی تخته سیاه بنویسید ذه مردم بد اندر به چه کس رای میدهند. در این روستا ۲۰۰۰ نفر رای دارند".

در مشکین شهر یک روز قبل از رای تیری صندوقهای رای را به روستا-های اطراف برده و شب میان روز رایها را به نفع همت در صندوق رای ریختند.

در روستای برخان مشکین شهر معلوم العالی بنام "مدد سعی در سو" استفاده از اساسات مهیبین مردم نموده و فرآن را روی دست گرفته به اهالی تکفه است" اهالی شماها را به این قرآن قسم میدهم که به همت رای بد هید؟

>>>>>>>>>>>>>>>>>>>>>>>>>

اردبيل؛ در انتخابات این شهر نیز همچند از ناظرين معا بر صندوقها نظرات نداشتند، تقبلاً سو استفاده ها در تبا می‌گردند، ها به جنم میخورد. در این شهر نیز مسئله رای را در نبرای تعدادی زیادی از مردم بعنوان غریبه، دینی مطرح شده — بود تا یک امر احتدایی، و معتقد ترین با نفوذ محل در حوزه هما آرا مردم را به نفع کاندید اهای مورد نظر خود مینمیشند.

تلشیزانه "یاز"

پیش بسوی تدارک هرچه پرشکوهتر جشن اول ماه مه روز جهانی کارگران

به منظور برگزاری هرچه پرشکوهتر جشن اول ماه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر از تمامی رفقاء هادار و خصوصاً کارگران، دینخواهیم شعر، مقاله، عکس، سرو و پیشنهادات خود را در رابطه با این روز تاریخی در اختیار شاخه آذربایجان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار دهند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر